عربی کنکور

حمیدرضا پور طالبی

این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

معناشناسی:۱۱ تست

ترجمه: ۹ تست

■■ عيّن الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة من أو إلى العربية (۲٦ - ۳۵)

۲٦- ﴿أدعُ إلى سبيل ربّك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادِلْهم بالّتي هي أحسن﴾:

۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظهٔ نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر اس

۳۳- عيّن الخطأ:

۱) لا يقدر المتكبِّرُ الجبّار أن يَزرع بذرَ الحكمة في قلبه»: یک خود بزرگ‌بین ستمگر نمی‌تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،

۳٤- عيّن الصحيح:

۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرون لا يسمعون كلامَك: هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی‌دهند!

تعریب:۱ تست

۳۵- «اسبهائی را دیدم، آن اسبها کنار صاحبشان بودند!»:

۱) نظرتُ أفراسًا، و كانت أفراس في جنب صاحبها!

لغت: ۱ تست

٤٤- عيّن الخطأ:

۱) الكُتّاب: المفكّرون الّذين يؤلّفون الكتب!

۲) الوعاء: لايُصنع إلّا من خشب شجرة الجوز!

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

تکنیک صفر : حواست به بدیهیات باشه!

مفرد و جمع

یتصاعد بخارات الماء الی السماء: بخار آب به آسمان ها صعود میکند

تمثال، تماثیل

شاب، شباب

فعل، فعله؛ اسم، اسمه؛ حرف، حرف

الیوم، حاولت کثیرا: تلاش امروز من زیاد بود

- خَلَقَ الله خدا — آفرینش (خلق)
- خَلَقُ الله — خدا آفرید.
- انا اُعَلّم — من معلم هستم.
- انا معلم — من یاد می دهم.

معرفه و نکره

کتابٌ جمیلٌ: کتاب زیبایی کتابی زیبا یک کتاب زیبا

حذف و اضافه کردن کلمه

- اَذهب الی مکه المکرمه: به شهر گرامی مکه میروم.
- معلمُ مَدرستنا یُدَرّسُ جَیّداً: معلم مدرسه، به خوبی درس میدهد.

مفرد و جمع

مثنی، اکثرا جمع ترجمه میشوند: رایتُ الطالبان: دانش آموزان را دیدم

معدود و صفت، بصورت مفرد ترجمه میشه: ثلاثه کتب: سه کتاب

طلاب مجدون: دانش آموزان کوشا

اسم اشاره: حواست نیستا!!

الله الذی یرسل الریاح فتثیر سحابا فیبسطه فی السماء

خداوند آن کسی است که بادها را می فرستد تا ابری را برانگیزد و آن را در آسمان بگستراند.

خداوند است که بادها را می فرستد و ابر را بر می انگیزد و در آسمان می گستراند.

خداوند همان کسی است که بادها را می فرستد و ابری را برمی انگیزد و آن را در آسمان میگستراند.

خداوند همان کسی است که بادها را فرستاد تا ابرها را که برانگیزد پس آن را در آسمان بگستراند.

خلق الله السماوات و الأرض بالحق، إن فی ذلک لآیه للمؤمنین

الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعا در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه ای هست!

خداوند آسمانها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن (خلقت) آیتی است برای مؤمنان

آفریدن آسمانها و زمین ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه ای برای مؤمنین است؟

خلق کردن آسمان و زمین ها به وسیلهٔ الله می باشد تا در آن آیتی باشد مؤمنین را

تکنیک hp اسم اشاره: بِپر بِپر

اسم اشاره + اسم(مشار الیه)

هذا، هذه، ذلک، تلک، هذان، هاتان، هذین، هاتین، اولئک، هولاء، هناء، هناک

هولاء الطلاب : این دانش آموزان،

هولاء طلابٌ : اینها ، دانش آموز اند.

عین الصحیح للفراغ حتی یصبح الخبر جمله فعلیه:

هؤلاء........ یؤدبن الأولاد

صغار معلمات الأمهات هن اللاتی

عین اسم إشارهٔ لایشیر إلی إسم بعده.

هؤلاء العلماء یحاولون التنمیهٔ بلادهم بکل جهد

یبغض هذا العالم الجبار أکثر زملائی فی الجامعه

سألت صدیقی هل هذه عقوبهٔ من یکرم جمیع الأصدقاء

إن هذین الساحرین یریدان أن یخرجاکم من أرضکم بسحرهما!

کنت أتمنی أن أنجح فی درسی،

ولکننی کنت أعرف جیدا أن هذه الغایهٔ صعبهٔ جدا ولکن نجحت!

۱)آرزو میکنم در دروسم موفق شوم،

ولی خوب می دانستم که این هدف سخت بود، ولی موفق شدم.

۲)آرزو می کردم که در درسم موفق شوم،

اما به خوبی می دانستم که این هدف واقعا سخت است، ولی موفق شدم!

۳)آرزویم به دست آوردن موفقیت در درسم بود،

اما خوب دانسته بودم که این هدفی واقعا سخت است،ولی موفق شدم!

۴)آرزو کرده بودم که در درسم موفق شوم،

ولی به خوبی دریافته ام که این هدفی غیرممکن است، ولی موفق شدم.

لاتكن فظا غليظ القلب عندما تعلم الأطفال،

إن هذه الخصلة تبعدهم عنك

۱) هنگامی که بچه ها را آموزش می دهی، درشت خوی سنگدل مباش،

که این خصوصیت آنها را از تو دورمی کند.

۲) وقتی کودکان را درس می دهی، قلبت را از سنگدلی و درشتی دور کن،

که این خصلت آنها را از تو دورمی سازد.

۳) نباید درشتی و غضب در قلبت باشد درحالی که معلم بچه ها هستی،

این همان ویژگی است که آنها رادور می سازد.

۴) نباید درشت خوی و سنگدل باشی آنگاه که کودکان را آموزش می دهی،

زیرا این خصلتی است که آنها رادور می کند.

تکنیک صفر : **حواست به بدیهیات باشه!**

مرور

مفرد و جمع

مثنی، اکثرا جمع ترجمه میشوند:

معدود و صفت، بصورت مفرد ترجمه میشه:

اسم اشاره:

فعل، فعله؛ اسم، اسمه؛ حرف، حرف

الیوم، حاولت کثیرا: تلاش امروز من زیاد بود

- خَلَقَ اللهُ خدا — آفرینش (خلق)
- خَلَقُ اللهُ — خدا آفرید.

- انا اُعَلّم — من معلم هستم.
- انا معلم — من یاد می دهم.

اسم و حرف، فعل ترجمه میشه!!؟

علیك الصبر: برتوست صبرکردن

برتو واجب است صبرکردن • ا جبـا ر

تو باید صبر کنی

واجبٌ علیـ...، یَجِبُ، یَجِبُ علی، یَلزِمُ

لی کتابٌ: برای من، کتابی است. لـ + اسم د ا شتـن

کتابی دارم. عند + اسم

عندنا خزائنه: نزد ما، گنجینه های آن است.

گنجینه های آن را داریم.

اسم و حرف، فعل ترجمه میشه!!؟

هناک بیتٌ جمیلٌ:

آنجا خانه زیبایی است.

خانه زیبایی وجود دارد.

خانه زیبایی است.

نستطیع الذهاب:

قبلنا التسلیم:

علینا أن نبتعد عن العجب و أن لاتذکر عیوب أصدقائنا بکلام خفی

بر ما واجب است که خودپسندی را از خود دور کنیم و عیب دوستمان را با سخنی پنهانی ذکر نکنیم

ما باید که از خودپسندی دوری کنیم و عیب های دوستانمان را با سخنی پنهانی ذکر نکنیم

ما خودپسندی را از خودمان دور می کنیم و عیب دوستانمان را با سخنانی پنهانی ذکرنکنیم

بر ماست که خودپسندی را از خود دور کنیم و عیب های دوستان را با سخنانی پنهانی ذکر نکنیم

لنا کلب فی مزرعتنا یقدر علی سماع صوت الساعه من مسافةٔ أربعین قدما

در مزرعه سگی بود که می توانست صدای ساعت را از فاصله چهار قدمی بشنود

سگی که در مزرعه مان داریم می تواند صدای ساعتمان را از فاصله چهار قدم بشنود

سگی در مزرعه مان بود که توانایی شنیدن صدای ساعت را از فاصله چهل قدمی داشت

در مزرعه مان سگی داریم که می تواند صدای ساعت را از فاصله چهل قدم بشنود

الیوم حاولت أن أُعطی ذلک العامل هدیّه تُقلّل من تعب عمله!

تلاش من امروز این بود که با دادن هدیّه‌ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهم!

امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیّه‌ای بدهم که از سختی کارش کم کند!

امروز سعی نمودم که با دادن هدیّه از سختی کار آن کارگر بکاهم!

با تلاش امروزم در دادن هدیّه به آن کارگر سختی عمل او کم شد!

مرور

تـکـنـیـک صفـر : حواست به بدیهیات باشه!

مفرد و جمع

مثنی، اکثرا جمع ترجمه میشوند:

معدود و صفت، بصورت مفرد ترجمه میشه:

اسم اشاره:

فعل، فعله؛ اسم، اسمه؛ حرف، حرف

اجبار

داشتن

هنا/هناک

فعل + مصدر

معرفه و نکره

هر "ی" نشان دهنده نکره نیست: کتاب علی الجمیل: کتاب زیبا علی

معرفه، نکره ترجمه میشه!!؟ الطالب الذی یدرّس: دانش آموزی که

نکره، معرفه ترجمه میشه!!؟ خبر مفرد تنها، معرفه ترجمه میشه

هولاء طلابٌ اینها دانش آموزانی هستند

اینها دانش آموز هستند

هولاء طلابٌ مجتهدون این کتاب

معلم‌ها از خطاهای دانش‌آموزی که دیگران را در مسائل بسیاری کمک کرده، گذشت کردند و او را تشویق نمودند

تجاوزتِ المعلمات عَن أخطاء التلمیذة الّتی ساعدتِ الآخرین فی مسائلَ عدیدةٍ و شجَّعنها.

الطالب الّذی ساعِد الآخرین فی مسائل کثیرةٍ تجاوزَ عَنه المعلمون و شَجَّعوهُ.

یَتَجاوز معلمون عَن خطایا التلمیذ الَّذی مُعینٌ الآخرینَ فی المسائل الکثیرةِ و شَجَّعوهُ.

المعلمون تجاوزوا عن الخطایا للطالبة الّتی ساعدت غیرَها فی مسائلٍ عدیدةٍ و شَجّعوها.

معرفه و نکره

ـی که توصیف

خبر مفرد تنها

مرور

حذف و اضافه کردن کلمه

- اَذهب الی مکه المکرمه: به شهر گرامی مکه میروم.
- معلمُ مَدرستنا یُدَرّسُ جَیّدا: معلم مدرسه، به خوبی درس میدهد.

حذف و اضافه کردن کلمه

کلمه "اِنّ" میتواند ترجمه نشود
سر و کله ی "ضمیر" پیدا میشه؟!!

ان اللّه معنا : ......
......

رایت طلاباً. الطلاب کانوا جنب المدرسه

دانش آموزانی را دیدم. این/آن دانش آموزان کنار مدرسه بودند.

ضمیر، ناپدید میشه؟!!

کتابه و محفظته و قلمه: کتاب و کیف و مدادش

اسب هایی را دیدم، آن اسبها کنار صاحبشان بودند!

نظرت أفراسا، و کانت أفراس فی جنب صاحبها
شاهد الأفراس التی کانت فی جنب صاحبیها
وجدت الأفراس و هی کانت جنب صاحبیها
رأیت أفراسا، کانت الأفراس جنب صاحبها

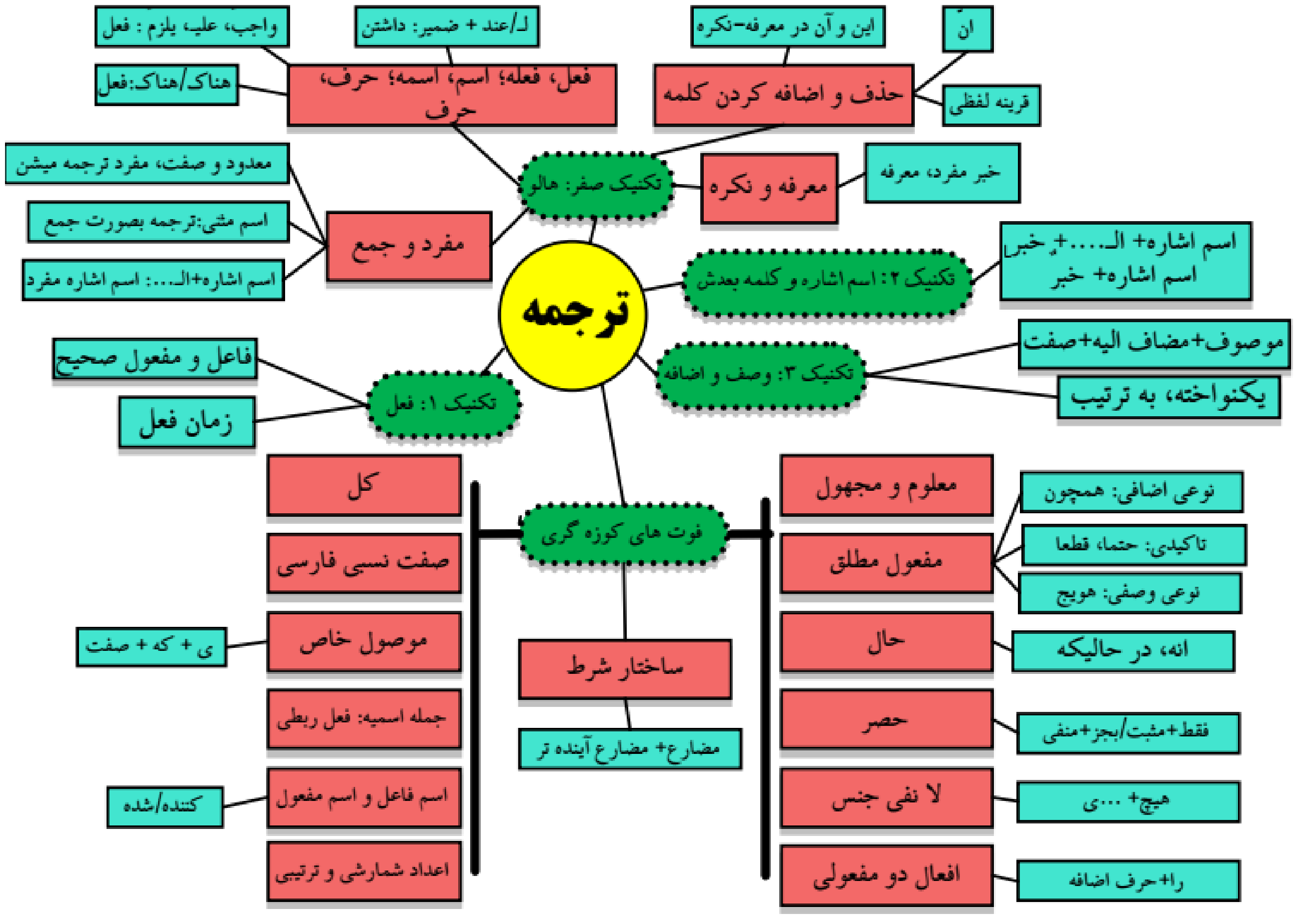
ترجمه
تکنیک صفر: هالو
فعل، فعله؛ اسم، اسمه؛ حرف، حرف
واجب، علیه، یلزم : فعل
لـ/عند + ضمیر: داشتن
هناک/هناک:فعل
حذف و اضافه کردن کلمه
این و آن در معرفه-نکره
اَن
قرینه لفظی
معرفه و نکره
خبر مفرد، معرفه
مفرد و جمع
معدود و صفت، مفرد ترجمه میشن
اسم مثنی:ترجمه بصورت جمع
اسم اشاره+الـ...: اسم اشاره مفرد
تکنیک ۲: اسم اشاره و کلمه بعدش
اسم اشاره+ الـ....+خبر
اسم اشاره+ خبر
تکنیک ۳: وصف و اضافه
موصوف+مضاف الیه+صفت
یکنواخته، به ترتیب
تکنیک ۱: فعل
فاعل و مفعول صحیح
زمان فعل
فوت های کوزه گری
کل
صفت نسبی فارسی
موصول خاص
ی + که + صفت
جمله اسمیه: فعل ربطی
اسم فاعل و اسم مفعول
کننده/شده
اعداد شمارشی و ترتیبی
ساختار شرط
مضارع+ مضارع آینده تر
معلوم و مجهول
مفعول مطلق
نوعی اضافی: همچون
تاکیدی: حتماً، قطعا
نوعی وصفی: هویج
حال
انه، در حالیکه
حصر
فقط+مثبت/بجز+منفی
لا نفی جنس
هیچ+ ....ی
افعال دو مفعولی
را+حرف اضافه

زمان فعل

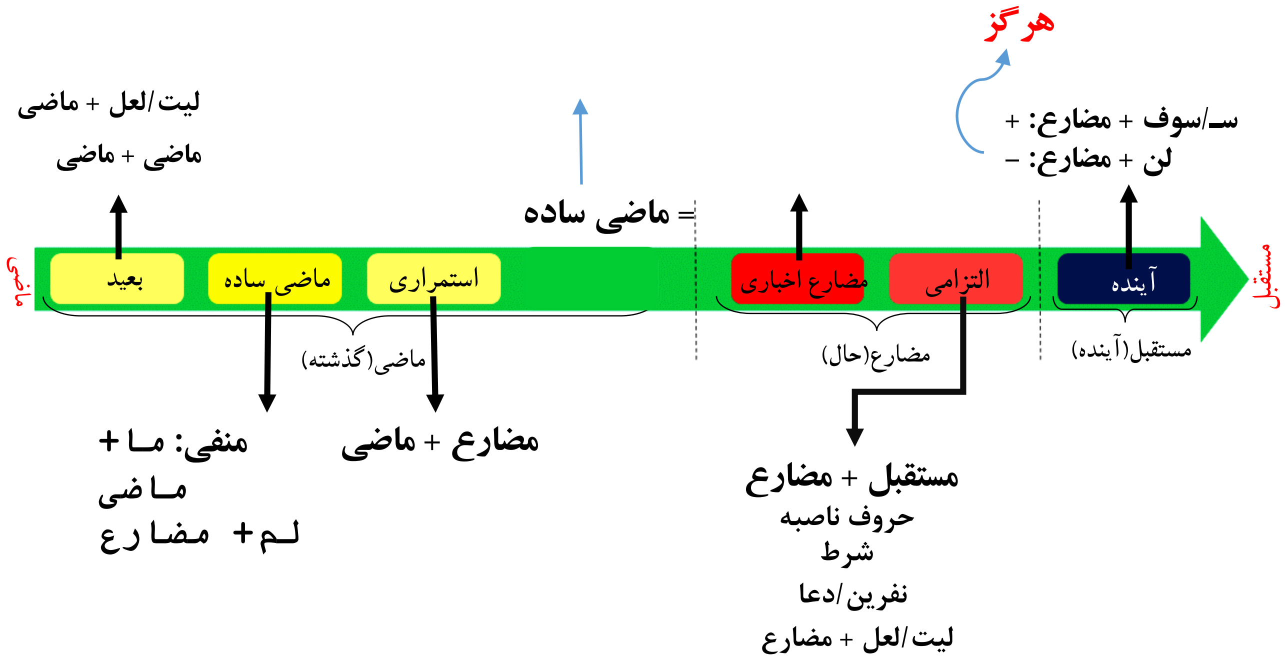
هرگز
لیت/لعل + ماضی
ماضی + ماضی
ماضی ساده =
سـ/سوف + مضارع: +
لن + مضارع: -
ماضی
بعید
ماضی ساده
استمراری
مضارع اخباری
التزامی
آینده
مستقبل
ماضی(گذشته)
مضارع(حال)
مستقبل(آینده)
منفی: ما + ماضی
لم + مضارع
مضارع + ماضی
مستقبل + مضارع
حروف ناصبه
شرط
نفرین/دعا
لیت/لعل + مضارع

لما دخلت المكتبة شاهدت طلابا يطالعون دروسهم بجد

۱) وقتی وارد کتابخانه شدم دانش آموزانی را دیدم
که با جدیت دروس خود را مطالعه می کردند

۲) آنگاه که به کتابخانه داخل شدم دانش آموزان را دیدم
که دروس خود را با جدیت مطالعه می کنند

۳) آنگاه که وارد کتابخانه ای شدم دانش آموزانی را مشاهده کردم
که با جدیت درسهای خود را مطالعه می کنند

۴) وقتی داخل کتابخانه ای شدم دانش آموزان را مشاهده کردم
که به طور جدی درسهای خود را مطالعه می کردند

تستطيع الدلافين أن ترشدنا إلى مكان سقوط طائرة أو مكان غرق سفينة

دلفینها توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها و غرق کشتیها هدایت کنند

می توانستند ما را به مکان سقوط هواپیما و غرق کشتی، راهنمایی کنند

توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها یا مکان غرق کشتیها هدایت نمایند!

می توانند ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق یک کشتی، راهنمایی کنند

كنت أفكر فی نفسی هل يمكن أن تكون قد خلقت السماء والأرض و كل ما فيهما من دون حكمه

با خویش در اندیشه ام که آیا امکان دارد این آسمان و زمین و همه چیز که در آنها است بی حکمت خلق شود

با خودم فکر میکنم که آیا ممکن است آسمان و زمین و هرچه در آن هست بیحکمت خلق شده باشد

با خود می اندیشیدم، آیا امکان دارد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنها است بدون حکمت خلق شده باشد

با خویشتن خود فکر می کردم آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه در آن هست بدون حکمت خلق شود

فاعل و مفعول درست

اخذتنی الدهشته: من وحشت را فرا گرفتم.

اطعمت الطفله من لبن: غذا داد بچه را از شیر.

تکنیک ۲: ترکیب وصفی و اضافی

افضل کتاب: بهترین کتاب
کتابٍ بهتر

معلم مدرستی: معلم مدرسه من

یکنواخت باشه، لغت ها رو به ترتیب ترجمه کن

اشعه الشمس الذهبیه: اشعه طلایی خورشید

کتابـــی الجمیل: کتاب زیبای من

تکنیک hp ترکیبات غیریکنواخت : بِپر بِپر

هناک کلمات تجری علی أقلام بعض الشعراء لأول مرةٔ
تدل علی مفاهیم جدیدةٔ لم یکن یعرفها الآخرون

۱) کلماتی وجود دارند که برای بار اول بر قلم های بعضی از شاعران جاری میشوند درحالیکه بر مفهوم جدیدی که دیگران آنها را نمی شناسند، دلالت دارد.

۲) وجود دارد کلماتی که بعضی از شعرا برای اولین مرتبه بر قلم های خود جاری می کنند که بر مفاهیمی جدید دلالت می کند که آن رادیگران نمی شناختند.

۳) آنجا کلماتی است که بعضی شاعران اولین مرتبه، بر قلمهایشان جاری می کنند و بر مفهوم جدید که دیگران آنها را نمی شناخته اند دلالت دارد.

۴) کلماتی هستند که بر قلم های بعضی شعرا برای اولین بار جاری می شوند که بر مفاهیم جدیدی دلالت میکنند که دیگران، آنها را نمی شناختند.

شجرات حديقتنا ذات غصون نضرة لأن اهتمامنا بشؤونها كثيرا

باغ ما درختانی دارد با شاخه های باطراوت زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است

به خاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه های تروتازه ای شده است

درختان باغ ما دارای طراوت و تروتازگی هستند زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است

درختان باغ ما دارای شاخه های تروتازه ای است زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است

ترجمه "کُل":

کل + اسم جمع / معرفه : همه

کل + اسم مفرد / نکره : هر

تکنیک hp کل: دراز و کوتاه

ليتني كنت قد تعلمت منك أن لا أحزن على كل أمر مكروه أواجهه، و لو كان كبيرا

کاش از تو آموخته بودم که بر هر امر ناپسندی که با آن مواجه میشوم
غمگین نگردم، اگرچه بزرگ باشد!

شاید از تو آموخته باشم که به خاطر هر آنچه از ناپسندیها به من برسد
حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم.

کاش محزون نشدن را بر هر امر ناملایمی که با من مواجه میشود
از تو یاد میگرفتم، ولو بزرگ باشد.

شاید غم نخوردن را برای آن ناخوشایندی که به من خواهد رسید
باوجود بزرگ بودن، از تو بیاموزم!

إن المعلمين كالأنبياء يستفيدون من كل فرصة ليشجعوا الناس على أن يهتموا بمكارم الأخلاق

معلمان چون پیامبران از هر فرصتی استفاده میکنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق اهتمام ورزند!

آموزگاران و انبیاء از هر فرصتی استفاده میکنند که مردم تشویق شوند به مکارم اخلاق اهتمام بیشتری بورزند

آموزگاران و پیامبران از همه فرصت ها استفاده می کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق توجه بیشتری کنند

معلمان چون پیغامبران هستند که از همه فرصت ها برای تشویق مردم و جلب آنها به مکارم اخلاق استفاده می کنند

عربی کنکور

حمیدرضا پور طالبی

این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

درس ۱ دهم: ذاک هو الله

فعل و ضمائم!

ماضی

ذَهَـب

	مذکر	مؤنث
مفرد	–	تْ
مثنی	ا	تا
جمع	و	نَ

غایب

	مذکر	مؤنث
مفرد	تَ	تِ
مثنی	تُما	تُما
جمع	تُم	تُنَّ

مخاطب

تُ
نا

متکلم

مضارع

ذَ هَـ ب

مفرد	يـ	ذهب	-	تـ	ذهب	-
مثنى	يـ	ذهب	ان	تـ	ذهب	ان
جمع	يـ	ذهب	ونَ	يـ	ذهب	نَ

تـ	ذهب	-	تـ	ذهب	ينَ
تـ	ذهب	ان	تـ	ذهب	ان
تـ	ذهب	ون	تـ	ذهب	نَ

أ	ذهب	-
نـ	ذهب	-

سمع

مفرد					
مثنى					
جمع					

سمع

مفرد					
مثنی					
جمع					

فاعل: چه کسی؟ ـــُــُا ـو

مفرد	ذهب	ذهبتْ	ذهبتَ	ذهبتِ	ذهبتُ
مثنی	ذهبا	ذهبتا	ذهبتما	ذهبتما	ذهبنا
جمع	ذهبو	ذهبنَ	ذهبتم	ذهبتُنَّ	

فاعل: چه کسی؟ ـــُــــُـــ

مفرد	يذهبُ	تذهبُ	تذهبُ	تذهبينَ	اذهبُ
مثنی	يذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	نذهبُ
جمع	يذهبونَ	يذهبنَ	تذهبونَ	تذهبنَ	

اسلاید بعد به طور کامل ویرایش شود

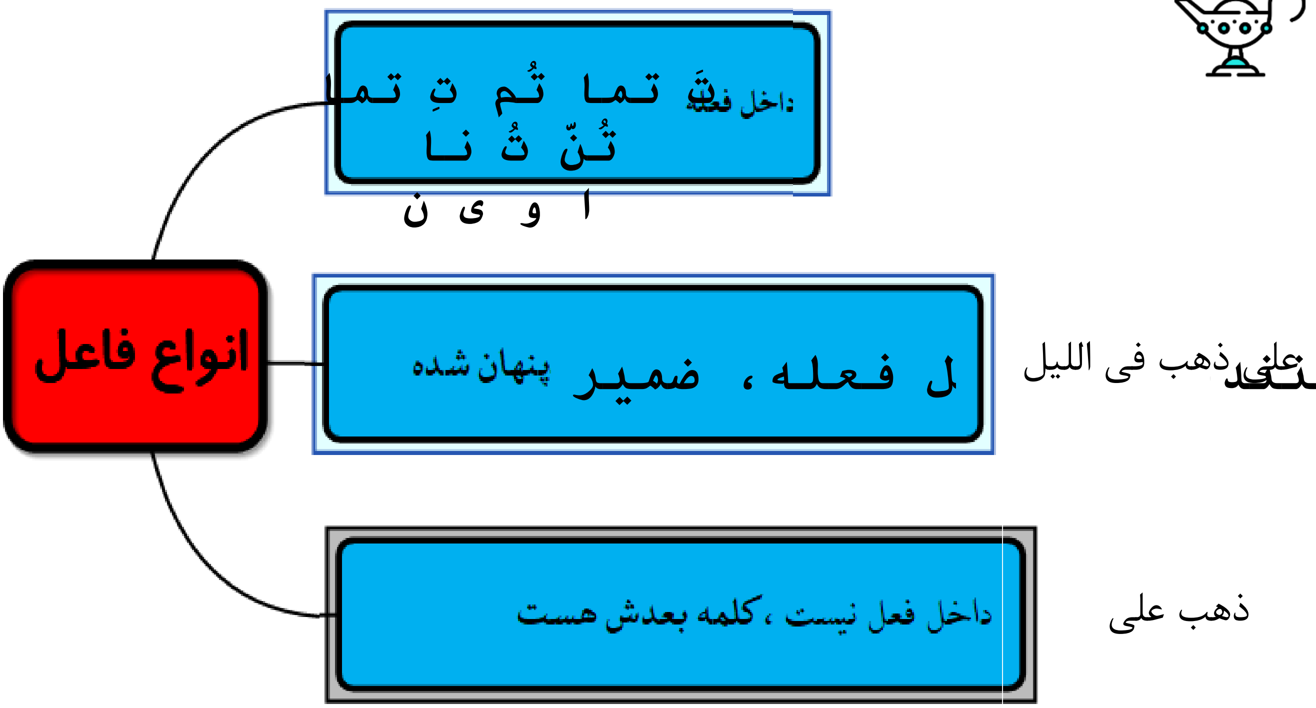

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

خط قرمز

يستمع الطالب الى كلام معلمه

الطالب يستمع الى كلام معلمه

العاملون يضاعفون جهدهم

نحن نقص عليك

الاسلام عدَّ العلماءَ من المجاهدين

انتِ تخرجينَ الى الصف

انتم تخرجوننى من الصف

إنْ سَمَعَ الطّالب مِنْ مُعَلِّمِهِ حِكايه يَعرِفُها، استمَعَ إليه!

تَأمَّلْ قبلَ أنْ تَتكلَّم للإبتِعاد عن الخطأ!

ساعتين اثنتين قبل غروب الشمس فى مدينه طهران ارجع البنت ابوها من المدرسه

عين الخطأ فى تعيين الفاعل

والذين كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها: الفاعل ضمير بارز واو

لا تفعلوا أعمال الخير رياء ولا تتركوها حياء: الفاعل ضمير بارز واو

كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة بإذن الله: الفاعل ضمير بارز ت

هل يستطيع بعض الحيوانات أن تنظر إلى جميع الجهات؟: الفاعل بعض و ضمير مستتر

عین الخطا فی تعیین نوع الخبر

اللهُمَّ! خَلِّصنا من شر هذا الطاغوت: ضمیر "نا" فی "خَلِّصنا" من نوع "الضمیر البارز"

نحن لانَبْحَث عن عیوب الناس: ضمیر "نحن" فی "نَبْحَثُ" من نوع "الضمیر المستتر"

الأطبّاء یَسْتَعْملونَ البصل فی علاج بعض الامراض: ضمیر "واو" فی "یستعملون" من نوع "الضمیر البارز"

أرْسَلَ أهل الکوفة الرسائل العدیدة لِدعوةِ الإمام (ع): کلمة "أهل" فی هذه الجملة من نوع "الاسم الظاهر"

مفعول: باقیمانده جمله ـــــــیـن

یستمع الطلاب صوت معلمهم

ألبس الوالد ابنه قمیصا

یعلّمه المعلّمون معلومات کثیرة طول السّنه

الطالب یستمع فی الصف صوت معلمه

یضربنی الرجل

طلب الام من اولادها ان ....

طلب فاطمه ابوها

طلبت فاطمه ابیها

دو ضمیر، اولی فاعلی، دومی مفعولی

یَضرِبونَنا

یستخدمونها

انزلناه

کشفتموها

نا ، فاعل یا مفعول؟؟؟ مساله این است!

ضَرَبــنا

یضربُنا

ضَرَبَــنا

قتلونا

نفی: _

مستقبل

مضارع

ماضی

لن + مضارع

لا+ مضارع

ما+ ماضــی

لم/لما + مضارع

لم: غیرعامل (پخمه):

لِمَ: چرا

لِمَ تقولون: چرا میگویید

عامل: لَم + مضارع: ما

لم تقولوا :نگفتند

+ ماضی

لما: غیرعامل (پخمه): هنگامیکه لما یرجعُ الناس: وقتی مردم بازگردند

عامل (جزم): ماضی منفی: ما + ماضی لما یرجعِ الناس: مردم باز نگشتند

علائم جزم: سکون آخر برای ۵ صیغه
حذف نون بجز جمع های مونث
کسره عارضی

مفرد	یذهبُ	تذهبُ	تذهبُ	تذهبینَ	اذهبُ
مثنی	یذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	نذهبُ
جمع	یذهبونَ	یذهبنَ	تذهبونَ	تذهبنَ	

یه مقایسه خفن:

یَقْتُلونَ	یَقْتُلنَ
یَقْتُلَنّ	یقتُلوننی

عیِّن الصّحیحَ فی النّفی للفعلینِ فی هذه العبارة:

"ساُعطی الفقیرةَ فی الزّقاقِ شیئاً طلبته یوم أمس!"

لَن اُعطی - لمْ تَطلبْ

لَمْ اُعطی - ما طلَبتْ

لَمْ اُعطی - لنْ تَطلبَ

لَن اُعطی - لاتَطلب

امر:

غایب/متلکم

لِـ + مضارع مجزوم

مفرد	يذهبُ	تذهبُ	تذهبُ	تذهبينَ	اذهبُ
مثنى	يذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	نذهبُ
جمع	يذهبونَ	يذهبنَ	تذهبونَ	تذهبنَ	

امر مخاطب

- حذف اول
- مجزوم کردن آخر
- اضافه کردن الف در صورت نیاز

اول ساکن:

باب افعال، تُفلِح : اَ

ـعُـ : اُ

ـعَـ : اِ

ـعِـ : اِ

تخرجون	تَستَطِعنَ
تقتُلينَ	تخالفان
نساعدُ	تكتَشِفنَ

عيّن الصّحيح عن فعل الأمر:

اسمعوا كلامی بدقّةٍ یا شابُّ!

یا إخوتی، اقتربنَ منّا إذا ینزل الجنود!

اُنظرنَ الی تلک السّفینة یا زمیلاتی!

یا طالبانِ، إبحثانِ عن الموادّ الغذائیّة

کم فعل الامر یوجَدُ فی هذه الآیة الشّریفة:

﴿ربّ اشرَح لی صَدری و یَسِّر لی أمری و احلُل عقدةً مِن لِسانی یَفقَهوا قولی﴾

واحد اثنان ثلاثه اربعه

نهی

لا(عامل) + مضارع

لا یذهب:

لا تذهب:

نفی

ماضی
مضارع
مستقبل

امر

مخاطب
غیر مخاطب

نهی

عین عباره لیس فیها الأمر أو النّهی

ظَنَنتُ آنکَ لاتَکتُمُ الحق لأنّی حَسِبتُکَ صدیقاً صادقاً

فقُل الحمدُ لله الّذی نَجّانا مِن القومِ الظّالِمین

فلمّا جاءَهم بالحقّ مِن عندنا قالوا اقتُلوا أبناءَ الّذین آمنوا معه

و قال الله لاتُتخِذوا إلهین اثنین أنّما هو الهٌ واحدٌ

عيّن ما فيه لا الناهية:

من لا يستمع إلى كلام اُستاذه جيّداً يَرسب!

عليكم أن لا نؤخّروا عمل اليوم إلى الغدِ!

لا تتبعون ما يبعدک عن الحقيقه

لا تشارکوا فی مجالس اللّهو و اجتنبوا منها!

عین لا تختلف عن الباقی

هاتانِ الطّالبتان لا تَحزَنا مِن قَولِ الّذینَ کَفَروا بِاللهِ!

عَلَیکِ أن لا تَیأسِی مِنَ التقدّم فی أمورک یا طالبهٔ!

لا تُحدِّثوا الآخَرینَ بِما یَسمعونَ بِهِ!

لا اسافرِ الایام الباقیه

عین ما یختلف حسب حرف "لا" فی العبارات التّالیهٔ:

ألا؛ لاتُبیَّنُ أبعاد هذه الکلمات الدّخیلهٔ الکثیرهٔ فی اللّغهٔ الفارسیّهٔ!

عزیزی المسلم طوبی لک؛ لا تقف ما لیس لک به علم!

عفواً؛ أیّها الزُّملاء الباحثون؛ لا أضمن أن أشکِّل فریقاً للحوار الثقافیّ!

لماذا لاتشارک فی طبخ العشاء لمساکین محافظتک!

عین الخطا فی تعیین نوع لا

﴿لا تَحزن إنّ اللّهَ معَنا﴾ (ناهیهٔ)

لا تسبّوا النّاسَ حتّی لا یسبّوکم! (الأولی للنّهی و الثانیهٔ للنّفی)

﴿لا تَحزن إنّ اللّهَ معَنا﴾ (ناهیهٔ)

لا تَقُل ما لا تَعْلَم بَلْ لاتَقُل کُلّ ما تعلَمُ! (الأولی و الثالثهٔ للنّهی و الثانیهٔ للنّفی)

عین ما فیه نهی عن القیام بالعمل

لا یُقصِّر الطّلّاب فی أداء واجباتهم المدرسیّةْ!

ألا یرید هؤلاء الأطفال أن یذهبوا إلی الحدیقة للعب؟!

مَن لا یُفکِّر فی أحوال رعیّته یُعاقبه الله عاجلاً أو آجلاً!

بعضُ النّاس لا یَنظرون إلی خلقهم العجیب!

اسم:

نشانه ها

الکتاب:

کُتُب:

کتابین:

از نظر جنسیت

کتاب

المرا

علی

طالبه

بنت

مریم

از نظر تعداد

تلمیذ	تلمیذه
تلمیذین	تلمیذتین
تلمیذان	تلمیذتانَ
تلمیذین	تلیمیذات
تلمیذون	
تلامیذ	

مفرد

مثنی

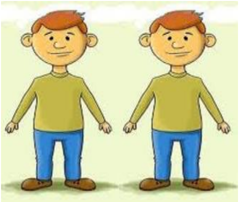

جمع

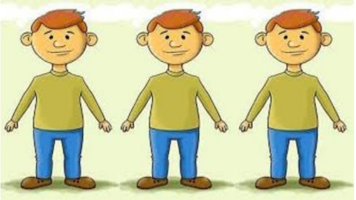

حذف هویج

- اصوات
- آیات
- بنات
- خرابات

أخوان

إخوان

إخوه

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

مساکین

نسیان

حکیم : حکما

موازین

قرین

إخوان

مکافاه

حاکم: حکام

عطشان

میقات

<u>مونث:ه دارند</u>

تلمیذه

بیت

جبال:جمع جبل(مذکر)

صوت

مفرد مؤنث

عمله

مدارس

أسلحه

أئمه

مُدُن

طالب

عین عباره ما جاء فیها جمع التکسیر

تلک الشّجرةُ لها غُصون نَضِرة!

اِبحَث فی الإنترنت حول عَظمة مخلوقات اللهِ عَن نُصوصٍ قصیرةٍ!

الشمسُ فی الجوِّ مثل الشَّرَرَةِ!

رَبّنا هو الله الّذی أنعُمه مُنهَمِرة!

عین الجمع السالم

إنَّ مُسلمی العالَمِ إخوانٌ فاصلِحُوا بینَ الإخوةِ!

فی أوقاتٍ من الأسبوعِ أقرأُ أبیاتاً مِن دیوانِ حافظٍ!

یا راحمَ المساکین نعوذُ بکَ مِن شرِّ الشَّیاطین!

أیُّها الزُّملاءُ، نَجِدُ لمیادین الاِجتهادِ عناوین مختلفةً!

عین ما لیس فیه جمع سالم للمونث

هؤلاء المُسلمونَ یَشکُرونَ ربّهم لأجلِ النّعم الکثیرة!

یُطالعُ التّلامیذُ قوانین المرور بدقّة وافرةٍ فی صفوفهم!

یرأیتُ الرّجالَ فی المزرعةِ عاملینَ فی مَزارعهم کثیراً!

طُلّابنا یجتهدونَ طول السَّنَةِ و هم فَرِحونَ فی نهایة السَّنَة!

عين ما فيه جمع التكسير اكثر

أنعُمُ اللّهِ كَالدُّرَرِ الْمُنتَشِرَةَ فی الأرض و أنْجُم!

أنظُرْ لِتِلکَ الأشجار ذاتِ الْغُصونِ النَّضِرَةَ!

الفُستان مِن الْمَلابِسِ النِّسائيَّةِ ذاتِ الْألوانِ الْمُختَلِفَة!

انْظُرُ إِلَی اللّيالی الَّتی الأنجُم و القمر فيها ضوء!

عين ما ليس فيه جمع سالم للمؤنث

لطمنا العدو أشد اللطمات

لی جوال من أدق الجوالات الجديدة!

لبعض أولياء الله كرامات كثيرة!

صوت تلاوة القرآن من أجمل الأصوات

عين ما فيه جمع سالم للمؤنث

أجمل الأصوات لصوت القرآن

أوقات الدراسة تبدأ من الثامنة صباحا

هذه الأبيات تتعلق بشاعر كبير!

تبدا الإدارات عملها من الثامنة صباحا

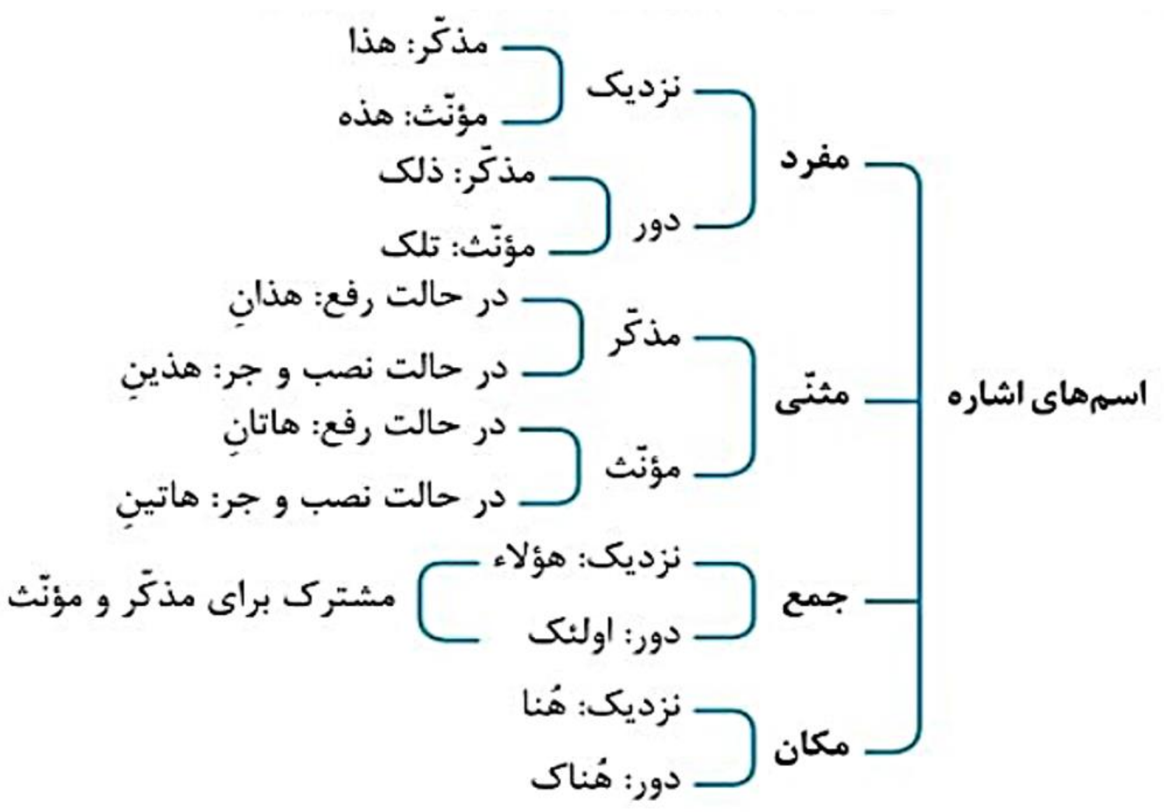

مفرد	ه	ها	كَ	كِ	ی
مثنی	هما	هما	كما	كما	نا
جمع	هم	هنّ	كم	كنّ	

مفرد	هو	هی	انتَ	انتِ	انا
مثنی	هما	هما	انتما	انتما	نحنُ
جمع	هم	هنّ	انتم	انتن	

ارفعوهم — رایتُ هو

انتِ ضربتِ — رایتها

ضربنا انتَ — هی تضرب

کشفوهما — تما ضربتما

انتم کشفتم — هم ارفعوا

صیغه ها

مفرد	غایب	غایبـ	مخاطب	مخاطبـ	متکلم
مثنی	غایبـ	غایبـ	مخاطبـ	مخاطبـ	متکلم
جمع	غایبـ	غایبـ	مخاطبـ	مخاطبـ	

ذهب للمخاطِبتین:

قال للمتکلم مع الغَیر:

یشهدُ للغائبات:

ظنّ للغائبین:

عَيِّن الصَّحيح في إستعمال اسم الإشارة:

هذا الطلّاب الصّالحونَ يُكرّمون المُعلّمينَ في جميع الأحوال!

هؤلاء الأشجارُ ذات الغُصونِ المُنتَشِرةِ!

هذا الأنجُمُ كالدُّرَرِ المُنتَشِرةَ!

تلكَ الشّجرة ذاتُ الغُصونِ النَّضرةَ!

عيّن الضمير المناسِب لِلْفعل:

هـو سَأشْتَغِلُ بِمطالَعةِ الدُّروسِ!

أنْتُنّ ستَقبَلينَ الْكلامَ الْحَقّ!

أنتِ كانَتْ ترجِعُ مِنَ الشّرِكةِ!

هو ما ظَلَمَنا أبداً!

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

عین الخطا فی صیغ الافعال

إنَّکُما سَیَذهَبانِ إلی الجامعةِ!

ذَهَبَ طلّابُ مدرسَتی إلی تلکَ المدرسةِ!

هاتانِ الطّالبتانِ خَرَجَتا مِن الصّفِّ!

أخواتی لایَذهَبنَ إلی المسجِدِ هذه اللّیلةَ!

عیّن الضمیر المناسِب لِلْفعل:

هـو سَأشْتَغِلُ بِمطالَعةِ الدُّروسِ!

أنْتُنّ ستقبَلینَ الْکلامَ الْحَقّ!

أنتِ کانَتْ ترجِعُ مِنَ الشّرِکةِ!

هو ما ظَلَمنا أبداً!

عین الخطا عن الضمیر حسب مرجعه

وَرَقُ الشَّجرةِ فی الرَّبیع جمیلٌ و لَونُها أخضرُ

نَمَتْ الشَّجرةُ من حبَّةٍ فی الأرضِ و غُصونها نَضِرةَ!

لَبِستُ عباءَةً جمیلةً و قیمتُها غالیةُ جدّاً!

هل تَعلَمُ بأنَّ الشَّررةُ جذوتُها مُستعرةُ دائماً!

عيّن الصّحيح فی استخدام الضّمير المناسب:

.... ترحمينَ الحيوانات كلّها!: (أنتنّ)

.... تقدَّمَت كثيرة فی الشّهور الأخيرة!: (أنتِ)

.... ما أخبرَنا عما وقع الليلة الماضية!: (نحن)

.... تترجم المتون العربيّة باللّغة الإنجليزيّة!: (هی)

ما هُوَ الضَّميرُ المُناسِبُ لِأفْعالِ "لا يَجْتَهدون، تَعَلَّمُوا، يَستغفرانِ"؟

هُم، أنتم، هُما

هم، هُم، هُما

أنتِ، هُم، أنتُما

هُم، هُم، انتما

هـذ ا الـكـتـا ب

هـذ ا كـتـا ب

عين الاسم اشاره يترجم جمعا

ترجمتُ هذا النّصَّ مُستعيناً بمعجمٍ إنجليزيٍّ- فارسيٍّ!

هذهِ كُتبٌ قيّمةٌ قرأتُها و أهديتُ إلى المكتبةِ العامّةِ!

شاركَت هؤلاءِ الطّالباتُ في مباراةِ الكأسِ العالميِّ للرّياضةِ!

أولئک الفائزاتُ أهدينَ جَوائزهنّ إلى مُتحفِ الإمامِ الرِّضا (ع)!

درس ۲ دهم:

المواعظ العدديه:

عدد

اعداد ترتیبی: صفت

ـم ـمین

السادس عشر	شانزدهم	الحادی عشر	یازدهم	السادس	ششم	الأول	یکم
السابع عشر	هفدهم	الثانی عشر	دوازدهم	السابع	هفتم	الثانی	دوم
الثامن عشر	هجدهم	الثالث عشر	سیزدهم	الثامن	هشتم	الثالث	سوم
التاسع عشر	نوزدهم	الرابع عشر	چهاردهم	التاسع	نهم	الرابع	چهارم
العشرون	بیستم	الخامس عشر	پانزدهم	العاشر	دهم	الخامس	پنجم

الکتاب الثالث التلمیذ التاسع الدرس الاول التلمیذه الحادی عشره

اعداد اصلی (شمارشی)

خمس عشرة	خمسة عشر	۱۵		ثمانية	ثماني	۸	واحدة	واحد	۱
ستّ عشرة	ستّة عشر	۱۶		تسعة	تسع	۹	اثنتان (اثنتين)	اثنان (اثنين)	۲
سبع عشرة	سبعة عشر	۱۷		عَشَرَة	عَشَر	۱۰	ثلاثة	ثلاث	۳
ثماني عشرة	ثمانية عشر	۱۸		إحدى عَشْرَة	أحد عَشَرَ	۱۱	أربَعة	أربَع	۴
تسع عشرة	تسعة عشر	۱۹	اثنى عشر اثنتا عشرة/اثنتى عشرة		إثنا عشر	۱۲	خمسة	خمس	۵
عشرين	عشرون	۲۰		ثلاث عشرة	ثلاثة عَشر	۱۳	ستّة	ستّ	۶
				أربع عشرة	أربعة عشر	۱۴	سبعة	سبع	۷

احد عشر کوکبا ثلاثه کتب کتابین اثنین کتاب واحد

تکنیک hp عدد: ترتیبی:صافِت

الکتاب الثالث	الکتاب الثاث
التلمیذه الثالثه	ثلاثه کتب
احد عشر کوکبا	ثلاثه عشر کتبٍ
کتابین اثنین	اربع تلمیذات
التلمیذه الاولی	اربعه ایامٍ
التلمیذه الثانیه	الکتاب الاول
الثانیه الثانیه	الکتاب الثانی

ثلاثه

ثالث

ثلاث

ثالثه

ثلث

احد عشر

احدی عشرۀ

الحادی عشرۀ

الحادی عشر

ترتیب عدد و معدود، مثل فارسی

ثلاثۀ کتبٍ

الکتاب الثالث

ساعت: استادِشم

ساعت، ترتیبی

دقیقه، شمارشی

۱ و ۲ **جنسیت** ۳ ـ ۹

ترتیبی

شمارشی

عين الخطا فی العمليّات الحسابيّه :

عشرون فی إثنين يُساوی إثنين و عشرين!

عَشَرَةٌ فی ثلاثة يُساوی ثَلاثين!

خَمسةٌ و سَبعون زائدُ خَمسةٍ و عشرينَ يُساوی مِئةً!

مِئةٌ تَقسيمُ علَى خَمسةٍ يُساوی عِشرين!

علائم رياضی	فارسی	عربی
(+)	جمع	زائد
(−)	تفریق	ناقص
(÷)	تقسیم بر	تقسيمٌ علَى
(×)	ضرب‌در	ضربٌ في ـ (في)
(=)	مساوی است با برابر است با	يُساوي/ تُساوي

عين الصحيح في العمليات الحسابية :

اثنان وسبعون تقسيم على ثمانيةَ زائد اثنين وعشرين يساوی واحدةَ وثلاثين!

اثنا عشر فی خمسةَ زائد ستةَ وثلاثين يساوی تسعةَ و ستين!

مئتان ناقص تسعةَ وثمانين تقسيم على عشرةَ يساوی واحدةَ

خمسةَ وأربعون زائد اثنين وثلاثين تقسيم على سبعةَ يساوی واحدةَ و عشرين

عين الخطأ للعمليات الحسابية :

سبعةَ وثمانون زائد إحدى عشرةَ يساوی ثمانيةَ و تسعين

خمسةَ وستون ناقص ثمانيةَ وعشرين يساوی سبعةَ وثلاثين

مئةَ وثلاثين ناقض أربعةَ وخمسين يساوی ستةَ وسبعين

مئةَ وستون تقسيم على أربعةَ يساوی أربعةَ وأربعين

تسعه عشر كتابا

واحد و عشرون كتابا

تسعه نجوم

احد عشر كوكبا

السبت

الاحد

الاثنين

الثلاثاء

الاربعاء

الخميس

الجمعه

عيّن العبارة الّتى يوجَد فيها عددٌ ترتيبىٌّ
جلستُ فى نهايةِ القاعة على الكرسىّ العِشرينَ!
بَقى ذلک المسافر فى الفُندق بمدّة أُسبوعين اِثنينِ!
فى هذه الغرفة سبعةُعَشَرَ كرسيّاً خشبياً!
هل تَعلَم ثمانين فى المئة من موجودات العالم حَشَرَاتٌ؟!

عيّن العدد التّرتيبي:
قد حصل الفنّان على جائزه الرابعة خلال العامينِ الأخيرينِ!
يرجع أبى إلى البيت بعد خمسة أعوام فيفرح به الأسرة!
قد مرّت سبعة أيّام و لم أقرأ حتّى دقيقة واحدة للامتحان!
اُستشهد فى الحرب رجلان اثنان، أحدهما قد جُرح مرّتينِ!

عين العدد ليس نعتا
بدأت اليوم بمطالعة مقالة أستاذى الثانية بدقة كثيرة
زرنا فى اليوم الثانى من سفرنا ساحة «نقش جهان»!
وجدت زميلتى فى البيت الثانى من شعرى خطأ مشهودة
سافرت مع أخى ثانية إلى أصفهان فى أواخر الأسبوع

عين العدد غير ترتيبى:

حضرت فى الموعد فى الساعة الخامسة مساء!

طالعنا اليوم فى المدرسة الفصل الثالث من درسنا العاشر

طلبت من صديقى أن يعطينى واحدة من كتبه الدراسية فقط!

قال الفلاح لابنه: علينا أن نحصد القطعة الثانية من هذه الأرض

عيّن الصّحيح للفراغين:

"ذهبت مع أُسرتي إلى سفرة يوم الأحد. طالت سفرتُنا ثلاثة أيّام.
رجعنا في الساعة السابعة صباحاً. كنّا خمس ساعات في الطريق.
فوصلنا في السّاعة .... من يوم .... إلى بيتنا!".

الثانیعشر / الأربعاء

الثانیةعشرة / الاثنين

الثانیةعشرة / الأربعاء

الثانیعشر / الثلاثاء

عين أعداد كلها من الأعداد الأصلية:

سعة عشر- الثانى – سبعة

واحدة وثلاثون - أربعة عشرة

الأول - ثمانية – تسعون

الثامن عشر - مائة - خمسة

عیّن الصّحیح :

تسعون فی المئة مِن نزولِ المطر فی فصلِ الشّتاءِ!: نه درصد از بارش باران در فصل زمستان است!

إنَّ طعامَ الإثنینِ یکفی الثلاثةَ!: بی‌شک غذای سه نفر برای دو نفر کافی است!

ذهبتُ لزیارةِ الإمامِ الرِّضا (ع) ثلاثین مَرَّةً!: سی بار به زیارت امام رضا (ع) رفتم!

هل تُخَلِّصُ للّهِ أربعین لیلةً؟!: آیا برای خداوند شب چهلم را خالص گرداندی؟!

عیِّنِ الصَّحیحَ عَنِ العددِ :

فی السّاعةِ الثّانیةِ و عشرینَ دقیقةً تنتهی ساعةُ دوامی!

ثمنُ هذا القمیصِ الرِّجالیِّ خمسةُ آلافٍ!

اِکتسبَ فی الامتحاناتِ تِسعةَ و عشرَ طالباً درجةَ العشرینَ!

شارک عشرونَ و خمسٌ من الطلّاب فی الامتحانِ!

درس ۳ و ۴ دهم:

مطر السمک + تعایش السلمی:

ثلاثی

ثلاثی مجرد، ثلاثی مزید:

قَتَلَ، یقتُلُ، قَتل

قاتَلَ، یُقاتِلُ، مُقاتَله

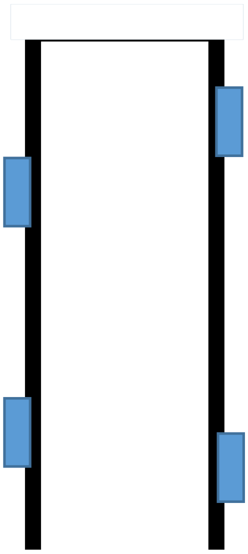

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حرف زاید
اِفعال	اَفعَلَ	یُفعِلُ	اَفعِل	اِفعال	۱
تَفعیل	فَعَّلَ	یُفَعِّلُ	فَعِّل	تَفعیل	۱
مفاعَلَه	فاعَلَ	یُفاعِلُ	فاعِل	مُفاعَلَه	۱

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حروف اضافه
اِفتعال	اِفتَعَلَ	یَفتَعِلُ	اِفتَعِل	اِفتِعال	۲
اِنفعال	اِنفَعَلَ	یَنفَعِلُ	اِنفَعِل	اِنفِعال	۲

اِتَّحَدَ:　　　　اِنتَشَرَ:

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حروف اضافه
تَفَعَّل	تَفَعَّلَ	یَتَفَعَّلُ	تَفَعَّل	تَفَعُّل	۲
تَفاعُل چه جالب!	تَفاعَلَ	یَتَفاعَلُ	تَفاعَل	تَفاعُل	۲

اَتَ　یَتَ　نَتَ　تَتَ

تَفَضّلا:

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حروف اضافه
استِفعال	اِستَفعَلَ	یَستَفعِلُ	اِستَفعِل	اِستِفعال	۳

استکبر

استمع

استمتع

استشهد

ح و ل: مفاعله

خ ر ج: افعال

ک ب ر: تفعیل

ج ه د: افتعال

ق ل ب: انفعال

ظ ه ر: تفاعل

ک ب ر: تفعّل

خ د م: استفعال

تکنیک hp : فیلتر ۴ گانه

کلمه	فعل	مفرد مذکر غایب	وزن	باب
تشاهِدونَنی	تُشاهِدونَ	یُشاهِدُ	یُفاعِلُ	مفاعَلَه
تَنتَشِرینَ	تَنتَشِرینَ	یَنتَشِرُ	یَنفَعِلُ / یَفتَعِلُ	انفعال / افتعال
تَستَنِدینَ	تَستَنِدینَ	یَستَنِدُ	یَستَفعِلُ /یَفتَعِلُ	اِستفعال / افتعال
تَستَمتِعونَها	تَستَمتِعونَ	یَستَمتِعُ	یَستَفعِلُ /یَفتَعِلُ	اِستفعال / افتعال
یَنتَصِرونَنی	یَنتَصِرونَ	یَنتَصِرُ	یَنفَعِلُ / یَفتَعِلُ	انفعال / افتعال

عين العبارةَ التی ما جاء فیها فعل مزید ثلاثی

قال الوالد، إنه أكرمنی عند الناس كثيرا !

ربی الكريم، أسألك التوفيق فی أموری

هو الذی یخرج الحی من المیت

أجلس الأب ولده علی الكرسی

"یحتفل الناس بهذا الیوم و یزینون بیوتهم و یلاحظون فیه جمال الربیع

یفتعل – یفعلون – تفاعلون

ینفعل – تفعلون – فاعلون

یفتعل – یفعلون – یفاعلون

ینفعل – یفعلون – یتفاعلون

عین حرف (النون) لیست من الحروف الأصلیّة للفعل.

۱) انکسر الإناء الزَجاجِیَ بید الطفل غفلة

۲) رائحة الأزهار الطیّبة انتشرت فی ساحة دارنا

۳) إنتخبت خمس مقالات من بین عشرة کتب لمطالعتی

۴) قال الله تعالی أنعمتک بأکثر من مائتی نعمة؛ فلماذا لا تشکرنی

عن الخطأ فی تعیین الأبواب

أكمل الفراغات مستعينا بمعجم عربی - إنجلیزی!: باب افعال

يتشارك فی حفلة زواجی كثير من أصدقائی!: باب تفاعل

و الذين إذا إصابهم البغئ هم ينتصرون: باب افتعال

اليوم الكيان الصهيونی يحاول كثيرة ليفرق بيننا!: باب تفعيل

درس ۵ دهم:

هذا خلق اللّٰه:

انواع جمله

فاعل: چه کسی؟ ـــــُــــُــا ـو

مفرد	ذهب	ذهبتْ	ذهبتَ	ذهبتِ	ذهبتُ
مثنی	ذهبا	ذهبتا	ذهبتما	ذهبتما	ذهبنا
جمع	ذهبو	ذهبنَ	ذهبتم	ذهبتُنَّ	

فاعل: چه کسی؟ ـــــُــــُـ

مفرد	یذهبُ	تذهبُ	تذهبُ	تذهبینَ	اذهبُ
مثنی	یذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	تذهبانِ	نذهبُ
جمع	یذهبونَ	یذهبنَ	تذهبونَ	تذهبنَ	

اسلاید بعد به طور کامل ویرایش شود

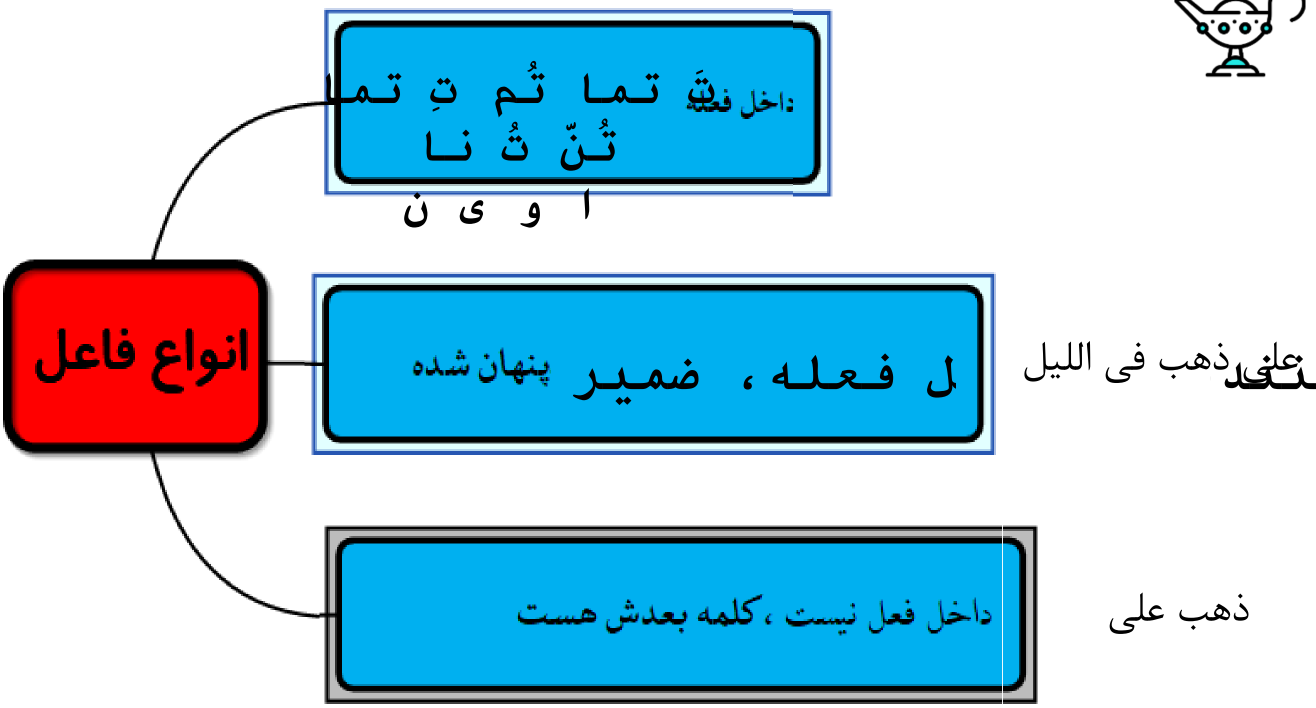

انواع فاعل
داخل فعل: تَ تما تُم تِ تما تُنّ تُ نا
ا و ی ن
ل فعله ، ضمیر پنهان شده
علی ذهب فی اللیل
داخل فعل نیست ، کلمه بعدش هست
ذهب علی

خط قرمز

یستمع الطالب الی کلام معلمه

الطالب یستمع الی کلام معلمه

العاملون یضاعفون جهدهم

نحن نقص علیک

الاسلام عدَّ العلماءَ من المجاهدین

انتِ تخرجینَ الی الصف

انتم تخرجوننی من الصف

إنْ سَمَعَ الطّالب مِنْ مُعَلِّمِهِ حِکایه یَعرِفُها، استمَعَ إلیه!

تَأمَّلْ قبلَ أنْ تَتکلَّم للإبتِعاد عن الخطأ!

ساعتین اثنتین قبل غروب الشمس فی

مدینه طهران ارجع البنت ابوها من

المدرسه

عین الخطأ فی تعیین الفاعل

والذین کسبوا السیئات جزاء سیئة بمثلها: الفاعل ضمیر بارز واو

لا تفعلوا أعمال الخیر ریاء ولا تترکوها حیاء: الفاعل ضمیر بارز واو

کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة بإذن الله: الفاعل ضمیر بارز ت

هل یستطیع بعض الحیوانات أن تنظر إلی جمیع الجهات؟: الفاعل بعض و ضمیر مستتر

عين الخطا فی تعيين نوع الخبر

اللهُمَّ! خَلِّصنا من شر هذا الطاغوت: ضمير "نا" فی "خَلِّصنا" من نوع "الضمير البارز"

نحن لانَبْحَث عن عيوب الناس: ضمير "نحن" فی "نَبْحَثُ" من نوع "الضمير المستتر"

الأطبّاء يَسْتَعْملونَ البصل فی علاج بعض الامراض: ضمير "واو" فی "يستعملون" من نوع "الضمير البارز"

أرْسَلَ أهل الكوفة الرسائل العديدة لِدعوةِ الإمام (ع): كلمة "أهل" فی هذه الجملة من نوع "الاسم الظاهر"

مفعول: باقيمانده جمله ـــَــــــًـــين

يستمع الطلاب صوت معلمهم

ألبس الوالد ابنه قميصا

يعلّمه المعلّمون معلومات كثيرة طول السّنه

الطالب يستمع فی الصف صوت معلمه

يضربنی الرجل

طلب الام من اولادها ان ....

طَلب فاطِمه ابوها

طَلبت فاطِمه ابیها

دو ضمیر، اولی فاعلی، دومی مفعولی

یَضرِبونَنا

یستخدمونها

انزلناه

کشفتموها

نا ، فاعل یا مفعول؟؟؟ مساله این است!

ضَرَبــنا

یضربُنا

ضَرَبَــنا

قتلونا

لازم و متعدی:

فعل + فاعل ← مفعول

فی ای عباره ماجاء المفعول؟

لاتتحرّک عین البومة أبداً، فإنّها ثابتة!

أتأمرينَ النّاس بِالبرّ و تنسينَ نفسکِ؟!

ربّنا ما خلقتَ هذا باطلاً!

حُسنُ الأدبِ یَستر قُبح النسبِ!

عین عباره لیس فیها مفعول به

إنّ الله أمرنی بمداراة النّاس!

لایعلمُ مَن فی السّماوات و الأرض الغیب إلّا الله!

یُصنَعُ وَکن الخفّاش فی جدار بیوت قدیمة!

الکأس زجاجة نشرب فیه الماء أو الشّای!

فی ای عباره ماجاء المفعول

الغراب يرسل أخبار الغابة لجميع الحيوانات!

هؤلاء الطالبات يَتفكّرنَ فی خلق السّماوات و الأرض!

يحفظ الشرطیّ الأمن بالكلاب!

البقرة تُعطی الحليب كلّ يوم!

عين ما فيه مفعول به واحد فقط

لقد ارتفعت اليوم درجة الحرارة إلی أن بلغت الحدّ الأقصی!

وهبتنی الأُمّ محبّتها السّماوية فأُحبّها حبًّا كثيراً!

ألبس الوالد ابنه قميصاً أرخص من قميصه!

يعلّمنی المعلّمون معلومات كثيرة طول السّنة الدّراسية!

عين «نا» فاعلا

هذه الزيارة واجبه عليه و أرجو أن ازورنا دائما

فرحت جدتی فرحا عظيما لأنها وجدتنا مجتمعين عندها

أمرنا الله أن تنظر إلی كائنات الطبيعة و تعتبر منها

لقد أعددنا برنامجا لزيارة روضة الشهداء فی الأسبوع القادم!

عین کلمة (من)منصوب (مفعولا)

من یرتل القرآن ترتیلا، فعلیه أن یعمل بأوامره ونواهیه

من یعرف أن الله یجازیه یوم القیامة، یحاسب نفسه

سوف یساعدنا من هو أکثر قوة منکم

أحترم من یعتمد علی قدراته الذاتیة

عین عبارة لیس فیها المفعول به:

تحول الأسماک المضیئة ظلام البحر إلی نهار مضی

للغراب صوت یحذر به الحیوانات حتی تبتعد سریعا

قسم الله للعباد شیئا أفضل من العقل و العافیة

علی کل الناس أن یتعایشوا مع بعضهم تعایشا سلمیاً

عین کلمة «من» تختلف فی الإعراب

فی کل ظلم نجد من لم یطلب حقها

کیف یفهم تعب الناس من یعیش فی الراحة

یجتنب المعاصی من یطلب العلی ویحب نفسه

سمع صوت الحق من الکائنات من یفتح أذن قلبه

عيِّن ما ليس فيه المفعول (المفعول‌به)

من النّاس من يأمر الآخرين بالبرّ و هو مُخطئ فی أعماله

يَنبعث ضوء المصابيح من الأسماک المُضيئة فی أعماق المحيط!

للغراب صوتٌ يُحذّر الحيوانات بِه حتّى تَبتعد عن الخطر!

كيف تُستعمل الأعشاب الطبيَّة لتحفظ الإنسان من الأمراض!

انواع جمله:

فعل: فاعل مفعول

جمله اسمیه: مبتدا خبر

یذهب الطلاب الی المدرسه

إشتَری والِدی لی مُعجَماً غالیاً فی سوقِ الکُتُب!

الطالب یذهب الی المدرسه

رأیتُ معلّم اللّغة العربیّة فی قاعة الإمتحانات یومَ أمسِ!

الی المدرسه یذهب طالبٌ

مبتدا و خبرٌ

مبتدا

خبر:

حذف چرت و پرت ها: کتاب های خوب تاریخ را دیشب خواندم

تکمیل معنا

اولویت بندی

اسم (مفرد)

فعل (جمله)

جارومجرور/ شبه جمله (پوست گردو)

تفكّر ساعةٍ خيرٌ من عبادةِ سبعين سنةً!
أحبّ الأعمال حفظ اللّسان!
نظر الولد إلى الوالدين عبادةٌ!
أحسنُ التلاميذ الّذی يعملُ بوظائفه دائماً.
عباد اللّه الصّالَحون يَحتفلونَ بهذا اليوم!
سيّدتی عرفت اللّغة العربيّة جيّداً، ماشاءاللّه!

الإنسان يَحتاجُ إلى الماءِ و الطّعام و الهَواء!

إقامة الصلاة تُبعدنا عن السيّئاتِ حقّاً!

أحبُّ عبادِ الله إلى اللهِ انفَعَهم لعباده!

هؤلاء محرومون يُنصَرون فی نهاية المراسيم عادة!

أحبُّ التّلاميذِ عند الأُستاذ أحسنهم فی الدّرس!

بابُ صالةِ الاِمتحان يُفتَحُ للطّلاب!

عند غروب الشَّمس مياه تجری فی المسيل القريب!

هذه الظّواهر تحدِث فی طبقات الأرض تغييرات!

أنا أحبُّ عباد الله فی أنحاءِ العالَم!

عِباد اللّه يتوكّلونَ على اللّه فی كُلِّ لَحظةٍ!

أتقى عِباد اللّه مَن يقولُ الكلام الحقّ دائماً!

أشجار رفيعة و مخضرّة فی حديقتنا الوسيعة!

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

ما هو الصحيح حسب ما تحته خط فی تعیین الخبر؟

و الأسماک المضیئة تحول ظلام البحر إلی نهار مضیء

احب عباد الله إلی الله أنفعهم لعباده!

الأعشاب الطبیة التی نستعملها لمعالجة الأمراض کثیرة

لسان القط مملوء بغدد تفرز سائلا مطهرا

عین جار و مجرور خبرا

فی الطبیعة الحیوانات قدعوّضت نقائصها بأعضاء اُخری!

النّدمُ علی السکوتِ خیرٌ من الندمِ علی الکلامِ!

فی بلدنا الوسیع جبال رفیعة و جمیلة!

فی البدایةِ الزُّوّارُ تَشَرَّفوا بِزیارة العتبات المُقَدَّسة!

عین الخبر مقدما

المسلم یکون فی النظامِ الاسلامیّ حرّاً.

لیست فوق الجبال المرتفعة ثلوج نشاهدها فی الشهر الماضی.

سَاُصبحُ فی هذا الدرس مشتاقة إن‌شاءالله.

فی الفصول الاربعة الجوّ فی المناطق الشمالیّة معتدل.

عين الخبر ليس مقدما

ليتنا ما كنّا عن عباداتنا اليوميّة غافلين!

قرأت صحيفة كانت فيها موضوعات علميّة!

إنّ لله جميع ما في السّماوات و ما في الأرض!

لم يكن على المنضدة دفتر لكتابة الدّرس!

عيِّن الجارّ و المجرور خبراً:

لَكُم حديقة جميلة تستفيدون منها في الصّيف!

هذه قيّمةٌ لا يُدركها أحدٌ!

في حقيبتي جَعلتُ الملابس لِلسَّفر!

لتعلّم اللّغة العربيّة علينا أن نَقرأها جيّداً!

عيّن الخبر من نوع "الجار و المجرور":

في السّاعة السّادسة نحن نقوم بأداء الصّلاة!

في هذه القصص عِبَرٌ جميلةٌ للأطفال!

على كلِّ مسلمٍ طلبُ العلمِ فريضةٌ!

في المرّة الأولى أنا سافرتُ بالطّائرة إلى شيراز!

عيّن اسماً نكرةً يُتَرجمُ مَعرفةً:

لايُشاهَد وجهٌ فی هذِهِ الصّورةِ الّتی رَأيناها!

ذلکَ المُسلمُ يَغرسُ غَرساً ليأكل مِنه مِسكينٌ!

﴿أرسَلنا إلى فِرعونَ رَسولاً * فَعَصى فِرعونُ الرّسولَ﴾

الموعظةُ الحسنةُ مِن المُعلّمِ قيِّمةٌ لجَميعِ الزّملاءِ!

درس ۶ دهم:

ذوالقرنين:

معلوم مجهول

معلوم و مجهول

فعل + فاعل   مفعول

اولین شرط مجهول داشتن، متعدی بودنه

شدن: مجهول

کودک،پنجره را شکست: پنجره شکسته شد.

فعل لازم

انفعال

فَعُلَ

فعل اسنادی فارسی(فعل ناقصه عربی:کان، صار، اصبح، مادام، مازال)

امر و نهی، مجهول نمیشن و نیستن

حذف فاعل

تبدیل مفعول به نائب فاعل

ماضی: ـُـعِـ

اعمال تغییرات روی فعل

مضارع: ـُـعَـ

اعمال تغییرات ضمیر

ضرب الوالد طفلته

زمان عوض نشه

کتب الطلاب دروسهم: تُکتَبینَ الدروس

دو فعل شبیه، قطعا یکی مجهول

من لا یرحم، لا یرحم

افعال سالم ماضی و مضارع با ـُ مجهول بجز افعال، تفعیل، مفاعله که باید از بقیه فهمید

باب	مضارع
اِفعال	یُفعِلُ
تَفعیل	یُفَعِّلُ
مفاعَلَه	یُفاعِلُ

فاعله محذوف

مجهول

مبنی للمجهول

مبنی للمعلوم

فاعل

فعل و فاعل

فعل و مع فاعله جمله

فعلیه

حُذِفَ فاعله

عین الصحیح فی البناء للمجهول

لبست ثوبا حینما رجعت إلی بیتی! لبست ثوب حینما رجعت إلی بیتی

إن الله یغفر الذنوب جمیعا إلا الشرک! - یغفر الذنوب جمیعا إلاالشرک

لن تدرک کلامی و إن تستمع إلی! - لن درک کلامی و ان تستمع

إنهم ترکوا دین آبائهم لرضی الله عنهما - إنهم ترکوا لرضی الله عنهما

عین ما لیس فیه المبنی للمجهول

لا تعب أصعب من أن الإنسان یترک وحیدة

جعلت للمؤمنین قلوب هی منشأ الإیمان بالله

عندما تعصف عاصفة الغضب هدم أرکان الفکر فی الإنسان

فکر المتلون أنه إن یتعبد من الصباح حتی المساء یدخل الجنة

عین ما فیه فعلان اثنان مبنیان للمجهول؟

کل مرة أفشل، یقوی عزمی أکثر من قبل و أبدأ بالعمل

إن فی القرآن یؤکد أن لا تترک الدنیا بذریعة الحصول علی الآخرة

عندما نُبلی بمصائب علینا أن ساعد أنفسنا حتی نُخلص منها

إننا تحب من غیر أنفسنا إلی أحسن الأحوال فهو لا یُنسی أبدا

عين ما ليس فيه المبنى للمجهول

و هكذا يواصل المعلمون أعمالهم و إن لاتقبل

لايبعد الطلاب عن الخمول إلا تدابير معلميهم

و الطلبة بعد مدة يشجعون على استخدام أسلوب معلميهم

حتى يفهموا أن لاتكتسب المعالى إلا بقدر السعى و الكت!

عين المبنى للمجهول

علينا أن نكرم الذين يهتمون بمكارم الأخلاق

لم يسمع أن أحدا وصل إلى النهايه بغير تعب

كل إنسان يستطيع أن يشاهد الدنيا جميله كما خلقها الله

يشفى العسل كثيرة من الأمراض الجلدية والآلام المفصلية

كم عباره لها فعل حذف فاعله؟

يُخلص ُالمؤمنَ من عذاب الاخرة عملُه ُ

للغَراب صوت ُ تُحذَّر به َبقيةُ الحَيوانات

إنّ بعضاً من حيوانات تُعرف حتّى الآن تعلم كيف تستعمل العشب

١ ٢ ٣ ٠

ـُـُـِـــــ

ـُـَـــ

ـُـــــــ بـجز افـعـال و تـفـعـیـل و مـفـاعـلـه

تُساعد

مزید ثلاثی (حروفه الأصلیة: ساع) - مجهول / فعل و فاعله محذوف

فعل مضارع (مصدره: إستعداد) - معلوم (= مبنی للمعلوم) / الجملة فعلیة

للمخاطب - مزید ثلاثی (مصدره علی وزن "مفاعلة") / فعل و مفعوله: الطائرات

مزید ثلاثی (ماضیه: ساعد، مصدره: مساعدة) / فعل و فاعله: الطائرات

درس ۷ دهم:

یا من فی البحار عجائبه:

جار و مجرور

نون وقایه

نون وقایه

ضربتَ + ی

ضربتَنی

لیت + ی

لیتنی

ی مفعوله

ن جزو حروف اصلی نیست

حذف نی

افطنی

اخرجنی

عيّن ما فيه "نون الوقايةُ":

يا صديقتی! لِم لَم تُعينی زميلاتکِ فی تعلُّم الدّروس!

يَتمنَّی أغلب الشباب أن يصلوا إلی النّجاح بسهولةٍ!

يَنبی النّاسُ بيوتهم ليسکنوا و يستريحوا فيها!

قد ضَرّنی کثيراً اللّعبُ الکمبيوتيریّ فی هذه السّنةِ!

عيّن ما فيه "نون الوقايةُ!":

أيّتها التلميذة المجتهدة! بيِّنی لزميلاتک اُسلوب قراءة الدروس!

هل تعرفُ أنّ ألنّملة تَبنی بَيتَها تحت الأرض و له نوافذ!

نَتمنَّی أن نَصل إلی أهدافنا دون تعب؛ و هذا محال!

أنقَذنی أحدٌ أصدقائی قبل أن أغرق فی الشّدائد!

جار و مجرور:

الی المدرسه

من اليل

فی المدرسه

بِکَ

بالليل

علی المنضده

للمعلم

يوم لک و يوم عليک

کالورده

عن المساله

قایم شدن:

مـمّن

لِـمَ

مـمّـا

بِـمَ

عمّن

عمّـا / عمّ

حرف جر + فعل لازم: متعد

ذهب:

ذهب بـ :

عيّن عبارةً جاء فيها ثلاثة من الحروف الجارّة:

هو الّذی خلق لكم ما فی الأرض جميعاً!

و إذا سألک عبادی عنّی فإنّی قريبٌ!

الدّهر يومان، يوم لک و يوم عليک!

فضل العالم على غيره كَفضل النبیّ على اُمّته!

عين عباره ماجاءت فيها الحروف الجاره و نون وقايه معا

لا تَسكُنِی بينَ النّاسِ بالْفَخرِ و الكِبْرِ!

﴿وَ اجْعَلْنِی مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النّعيمِ﴾

حَدِّثْنِی بِما حَدَثَ لَک حتّى أُرشِدَک!

عَسَى أن تُبْلَغَنِی أخبارٌ سارّةٌ عن نَجاحِک فِی الامتحاناتِ!

عين ما فيه الحروف الجارة أكثر

إن حركة الأرض كانت مخفية على الناس فی القرون الماضية، أما الآن فهی معلومة على كل البشر

عليك أن تحاولی فی دروسک حتى تنجح فی اكتساب الدرجات العالية، فلا تعتمدی على الآخرين

إعلم أن الشجاعة ليست بالأقوال بل هی بالأعمال، فلا تعاشر من يفخر بنفيه

من نظر إلى سيرة العظماء و يجدهم متوكلين على ربهم و معتمدين على قدراتهم!

درس ۸ دهم + درس ۱ یازدهم:

جامد و مشتق

جامد و مشتق:

جامد اند مگر اینکه مشتق(۵) باشند

ملاک، مفرده مدارس

مصادر، جامدند. کتب

اکابر

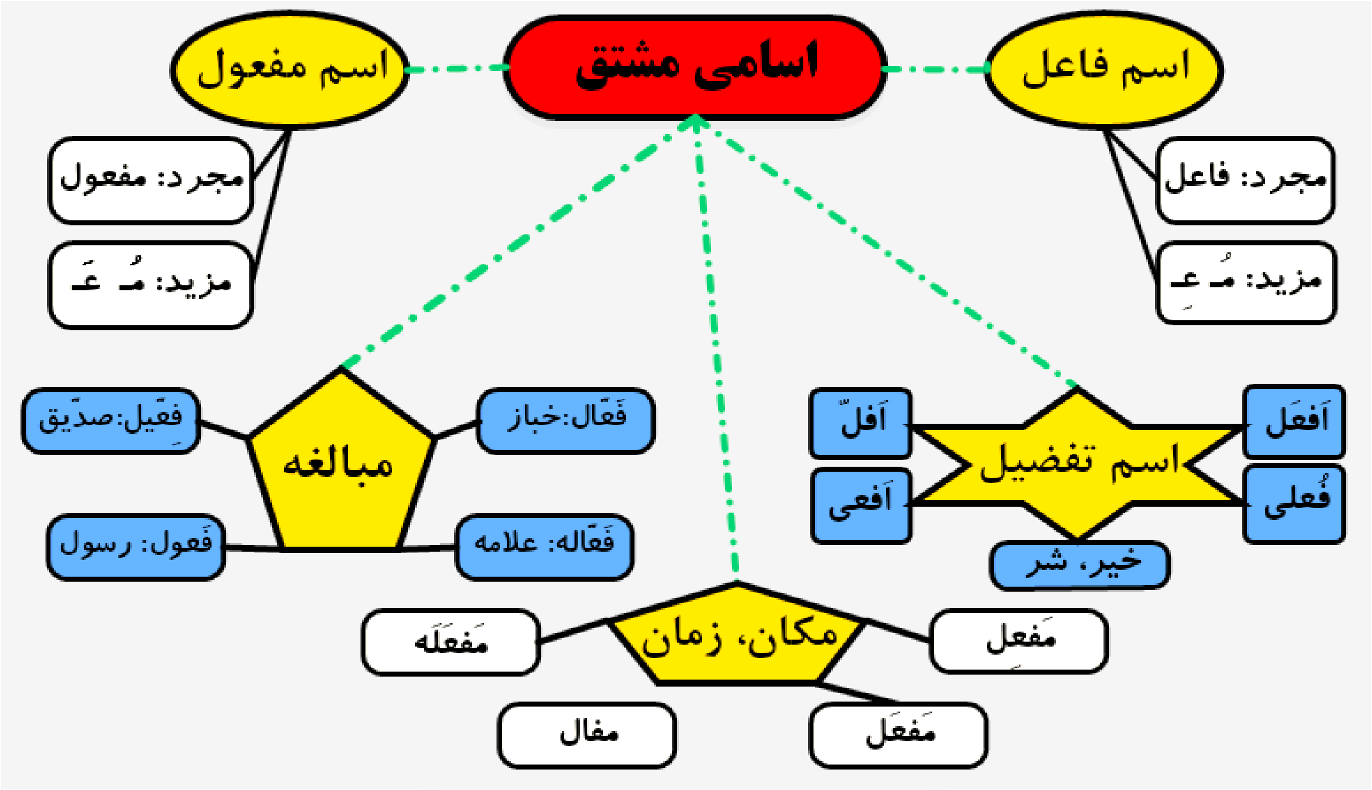

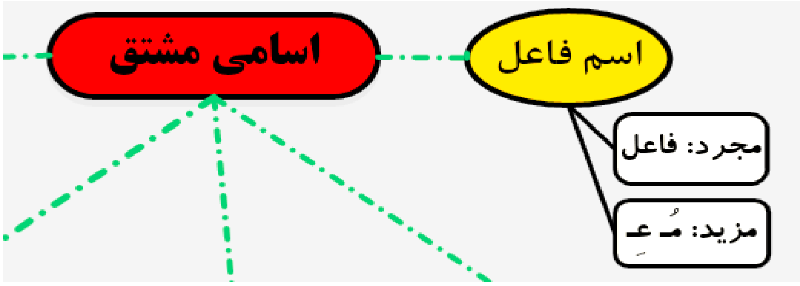

اسم فاعل:

کننده کار

در ترجمه: دهنده، کننده

مضارع للغایب

ی: مُـ

عین الفعل: ـــِ

کَذَبَ:

ـِـ

کَذَّبَ:

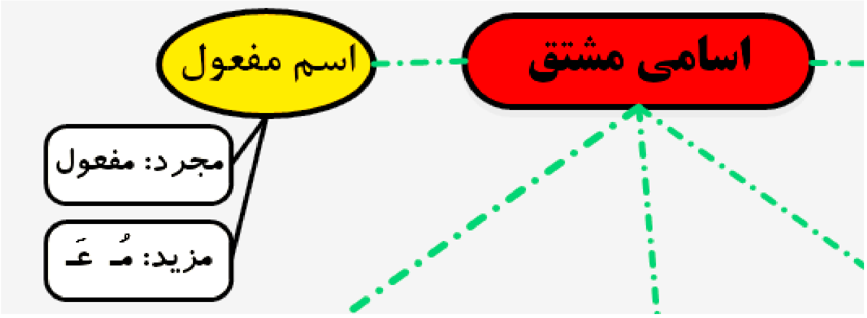

اسم مفعول:

در ترجمه: شده

مضارع للغایب

ی: مُـ

عین الفعل: ـــَ

عَلِمَ:

ـِـ

عَلَّمَ:

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

اسم مکان و زمان:

دَوَرَ: مَـ و معنی

مَجَلَ:

مکتب
مکتبه
مکتوب
مدرسه
مطبخ
مروءه
منادی
مشابه
منصور
مسموم

اسم مبالغه

تکرار زیاد یک کار

یدل علی تکرر وقوع الفعل:

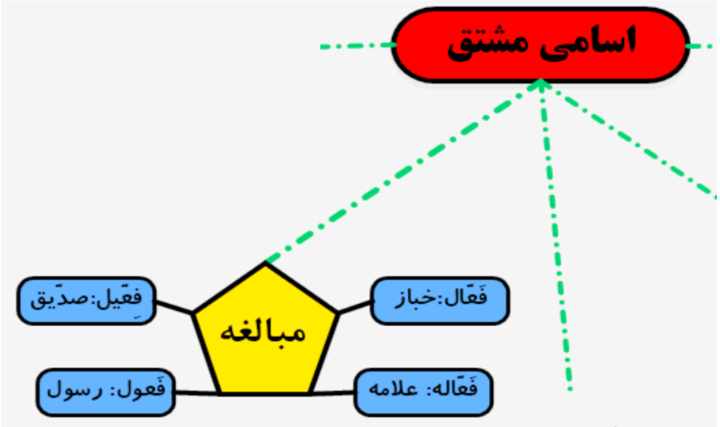

طباخ
الرّساله
الشّاکر

عین ما لیس فیه اسم المبالغه

الکذّاب کالحفّار یقع فی حُفرته یومًا!

هذا العلّامة کأنّه مصباح فی الأرض!

یا أیّتها النّفس اللّوّامة أرشدینی إلی الحسنات!

الزّوّار هم الّذین یُصلّون لیشاهدوا اللّه فی قلوبهم!

اسم تفضیل

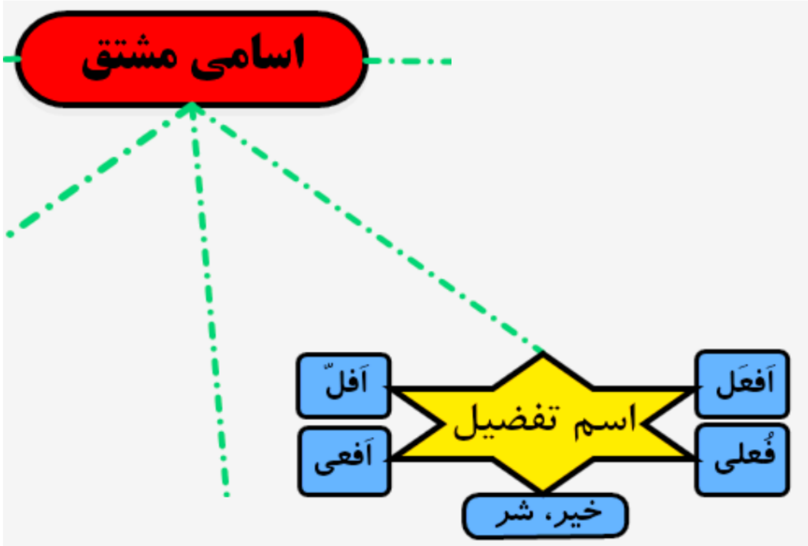

اتقی	احسن	اعرج	ابیض	بیضاء
ازکی	اجمل	اصمّ	احمر	حمراء
اشقی	اصغر	اعمی	اسود	سوداء
اعز	صغری		ازرق	زرقاء
اقل	ابسط	اشهُر	اصفر	صفراء
اشد		اشهَر	اخضر	خضراء

اَحسن

اَحسن

اَحسن

عیِّن ما فیه اسم التّفضیل:

اُریدُ کتاباً أعلَی مِن هذا الکتابِ!

قال لی معلِّمی: اَحسن إلی والدیک حتّی لاتندم

أفضل هذا المعلِّم المؤمن لایکونُ واضحاً لکم؟!

اَحسن المعلِّم بتلامیذه بکلِّ احترامٍ وَ شفقةٍ!

خَیر: بهتر، بهترین   خوب   خوبی
شَر: بدتر، بدترین   بد   بدی

الـ خیـر / شـر : ......

خیر / شر + مِن : ......

عیِّن ما فیه کلمةُ "خیر أو شرّ" اسمُ التفضیلِ:

الخیر فی مساعدةِ الآخرینِ بِلا اِنتظارِ جبرانِها!

نحنُ نعلمُ أنَّ خیر الأعمال هی أخفاها!

المؤمنونَ لِیَجتَنبوا مِن الشّرِّ لِأنَّه ینزِّل مقامهم!

الإستهزاءُ بِالآخرین شرٌّ عظیمٌ!

عیِّن کلمۀ "الخیر" لیست اسم تفضیل

خیر الناس من یُجبر نفسه علی الخیر!

أحب أن أقوم بخیر الأعمال فی الحیاۀ!

خیر الأعمال أوسطُها!

الخیر فی ما وقع!

عین ما لیس فیه "اسم التفضیل":

أحبّ إخواننا من یُرشدوننا إلی فهم عیوبنا بکلام لیِّن!
حُسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!
اُحبّ المعلّمین الّذین ینفعون النّاس بأعمالهم!
أفاضلنا من یُحبّون العلم و یعملون به!

عین ما لیس فیه اسم تفضیل

أعلم أنّ مَن جَمع علمَ النّاس إلی علمه فهو علیمٌ!

إنّ اللّون الأبیض أحسن لونٍ لألبسة الممرّضات!

کان مِن بین أصدقائی مَن هو أنجح التلامیذ!

أتقی النّاسِ من لا یخاف النّاسُ من لسانه!

عیّن ما فیه اسم التفضیل اکثر من الباقی

ربَّنا آمَنّا فَاغفِر لَنا وَ ارحَمنا و أنتَ خیرُ الرّاحمینَ!

لیسَ شیءٌ أثقَلَ فی المیزانِ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ!

أیُّ الْألوان عِندَکُم؟ أبیَضُ وَ أسوَدُ و أزرَقُ وَ أحمَرُ!

جادِلهُم بالّتی هیَ أحسَنُ إنَّ ربَّکَ هو أعلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبیلِه!

خط قرمز: فُعلی برای مقایسه نیست: فُعلی مِن

عین الخطا فی استعمال اسم تفضیل

أُختی الصُّغری تَلعَبُ فِی الغُرفةِ!

هذه الطالبةُ فُضلی من صدیقاتِها!

هؤلاءِ الطّلابُ الأفاضِل محبوبونَ!

هؤلاء الطّلابُ أفضَلُ من أصدقاءِهم!

عین الخطا عن اسم تفضیل

ساعات تفکُّرنا فی الیوم الواحد أقلّ من نومنا عادةً!

إنّ الأعمال الّتی نعملها لکسب الحلال فُضلی من بقیّة أعمالنا!

الإخوان الّذین یساعدوننا فی أمورنا الصّعبة خیر إخوان فی حیاتنا!

الحدیقة الصّغری مع الأشجار المثمرة أحسن من الحدیقة الکبری من دون الأثمار!

کَم اسم تَفضیل جاء فی هذه العبارةِ؟

سمعتُ حکمةً من أعلَم العُلماء: "یوم العَدل علی الظّالِمِ أشَدُّ مِن یَومِ الجور علَی المَظلومِ!

واحِد

إثنان

ثلاثة

أربعة

كَم اسم التفضيل جاء فی العبارةِ التاليةِ؟

"اِتّقی النّاسُ اللهَ فی الدُّنيا لأنّ اللهَ قالَ: "أُحبُّ النّاسَ الّذين يتّقوننی" لهذا يحاولُ أكثرُ المسلمينَ ليكونَ عملُهم أوسَطَ الأعمالِ حقّاً و إنّ الأكابِرَ فی التاريخِ مِن أعلَی المتّقين و صاحب أغلَی الأعمالِ!"

اربعه خمسه سته سبعه

صفت باشه/تنها بياد : رجلٌ آخر: تفضيل

صفت نباشه: آخر رجُل : فاعل

كلمه	معنی	نوع مشتق	مؤنث	وزن	نقش	جمع
آخِر	پایان	اسم فاعل	آخِرة	فاعِل(ءاخِر)	متغيّر	آخِرين (آيندگان)
آخَر	ديگر	اسم تفضيل	اُخریٰ	أفعَل (أءْخَر)	غالباً صفت	آخَرين (ديگران)

عین ما لیس فیه اسم تفضیل

فکن کالّذی أهدی إلیّ عیوبی و هو أعزّ إخوانی!

فلهذا أُترک الغیبهٔ و التّهمهٔ و أکثر حسن الظنّ!

أیّ الطریقین أفضل بین سوء الظنّ و حُسنِهِ؟!

و اعلم أفضل النّاس أنفعهم للنّاس! أنَ الحیاهٔ الدنیا لیست أمام الآخرهٔ إلّا شیئاً قلیلاً!

عین اسم تفضیل یختلف عن البقیه

آسیا أکبر قارّات العالم!

سورهٔ البقرهٔ أکبرُ سورهٔ فی القرآن!

أفضل النّاس أنفعهم للنّاس!

جَبل دماوند أعلی من جَبَل دِنا!

عیّن ما فیه اسم التفضیل و اسم المکان معا

إنّ بعض المتاجر مفتوح إلی نهایهٔ اللّیل!

نُحبّ أن نشتری ما نریده بثمن أرخص و نوعیّهٔ أعلی!

رأیتُ مکتبهٔ فی مدینتنا کانت من أکابر مکاتب العالم!

یجب أن یکون لون جدار المطابخ خاصّهٔ فی الأماکن العامّهٔ أبیض!

ترکیبات وصفی / اضافی

معلمٌ جیّدٌ

اشجارٌ مثمرهٌ

جـــامـــع

......ٌ ......ٌ

الطفل الایرانی

الشیء الذهبیه

الـ... الـ...

......ُ الـ...

علی الکبیر

صوتُ المعلم

معلمی المدرسه

کتاب المعلم

ام علی

عین الترکیب اضافی فی عبارات التالیه

ما هو اَخطر الأمراض للإنسان؟

أُرید اَن أذهب إلی المکتبة العامّة!

العلماء المسلمون ألّفوا کتباً مفیدة فی العصور الماضیة!

إن الایثار صفة انسانیّة یجبُ أن نتحلّی بها!

عین عباره لیس فیها ترکیب اضافی

العلمِ إخلاصُ العملِ.

أثمرَت أشجار التّفاح فی حدیقتی.

ما قسم اللّهُ للعبادِ شیئاً أفضلَ من العقل

إضاعَةُ الفرصةِ غُصَّةٌ

معرفه / نکره در ترکیبات وصفی /اضافی

اضاعه فرصه ً

اضاعه الفرصه

عین عباره ماجاء فیها اسم نکره

رأی الْمَلکُ أنَّ النّاسَ مُجتمعونَ حَولَ قَصْرِه قبلَ خُروجِه!

هذه ألوان للأشجار الْجَمیلة نَراها فی الطّبیعة!

من أسبابِ هذا الأمر هو تَخریبُ الطّبیعة بید الإنسان!

کُنْ مثلَ القَمَرِ سَعیداً، یَرْفَعُ النّاسُ رؤوسَهُم لِرُؤیَتِه!

در هم ریزی ترکیب ها

ثروه

ایران ثروت عظیم ایران

عظیمه

لن ینحنی أجیالنا الصّامدون أمام الظّلم و الظّالمین و سیثورون علیهم

نسل پایدار ما است که در مقابل ستم و ستمگری سر فرود نمی‌آورد و علیه آنان به پای خواهد خاست!

نسل ما مقاومتش سر فرود نیاوردن در مقابل ستم و ستمگران است و ضد آنان به پای خواهد خاست!

نسل‌های استوارند که در برابر ظلم و ظالمان خم نمی‌شوند و ضدّ آنان به پای خواهند خاست!

نسل‌های مقاوم ما در برابر ظلم و ظالمان تسلیم نخواهند شد و علیه آنان قیام خواهند کرد!

اشـعـه

الشمس اشعه طلایی خورشید

الذهبیه

جمله وصفیه: نکره + جمله

وَقَفَ رَجُلٌ جَمیلُ الْمَظهَرِ أمامَ سُقراط یَفتَخِرُ بِمَلابِسِهِ!

وَجَدْتُ بَرنامَجاً فی الإنترنت یُساعِدُنی عَلَی تَعَلُّمِ الْعَرَبیَّةِ!

أولئک طلابٌ مُؤَدَّبونَ یَحترمون الوالدین!

عین الصفه یختلف نوعها عن الباقی

لحظةُ زیارةِ جدّتی لحظةٌ أنتظرها منذُ مدّةٍ طویلةٍ!

علیک أن تُنفقی من ثَرواتِک العظیمةِ؛ یا أُختی!

أنا راضٍ برِضَی اللّه عندَ مواجهةِ حوادثِ الدّهرِ المرّةِ!

ظَهرتْ أشعّةُ الشمسِ الذهبیّةِ من وراءِ الجبالِ المرتفعةِ!

فی ای عباره ماجاء فعل لتوصیف اسم

نَشتَری الیوم کُتُباً فی المکتبةِ أُلّفت باللّغةِ العربیّةِ!

خیر الأموال زرعٌ زَرَعَه صاحبه!

إنّی أعوذ بک من نفس لاتَشبَعُ!

إن تُقرِضوا اللّهَ قَرضاً یُضاعِفهُ لَکم!

عيّن فعلاً مجهولاً يَصِفُ اسماً نكرةً :

كانت المديرة تبحث عن معلّم يُدَرِّسُ الفيزياء!

ربّنا وفِّقنا لعبادةٍ تُقرّبنا إليه!

إنّ للمؤمن أخلاقاً حسنةً وُهِبَت له!

تصادَمَ الرّجل العجوز بسيّارةٍ و حُمِلَ إلى المستشفى!

عيّن ما فيه توصيفٌ للنكرة (الجملة الوصفية):

أُحبّ أن أزورَ "حامداً" و هو غائبٌ عنّا مُنذ سنةٍ!

عُرِف "حافظ" عارفًا و هو قد استفاد من لغة القرآن فی أبياته!

أُسرة "صادق" ما عرفت "منصورًا" كان يشتغل فی المزرعة معه!

الكعبة الشّريفة بناء مقدّس بناه "إبراهيم" عليه السّلام!

عيّن عبارةً وُصِف فيها اسم نكرة:

الّذی يَتَكلّمُ فی ما لا يَعلَمُ يَقَعُ فی خطأ!

علَينا أن لا نجرحَ الآخرين بلساننا!

شجرة الخُبز شجرة استوائيّة تَنمو فی جُزُر!

تكلَّموا تُعرَفوا فإنّ المرء مَخبوء تَحت لِسانه!

عيّن نكرةً وُصِفت بجملة:

أَلَّفت هذه الكاتبةُ كتباً فی مجالات التَعليم يَرتبطُ بعضُها بالمُعلِّم!

جاءَ سعيدٌ إلی بيتنا و ساعدنی فی فهم العربيّةِ!

أَرسلنا إلی فرعونَ رَسولاً فَعَصَی فرعونُ الرَّسولَ!

ظواهرُ الطَّبيعةِ تُثبت حقيقةً واحدةً و هی قدرةُ الله!

عيِّن الجملة الوصفيّة:

۱)جاء محمّدٌ يَضحکُ بِصوتٍ عالٍ

۲)أنزَلَ اللّهُ ماءً فَأَحيا بِهِ الأرضَ بعدَ موتِها.

۳)رأيتُ طالباً فی المدرسةِ يَتكلَّمُ بالعربيَّةِ.

۴)جاءَ الرَّجُلُ ضاحكاً يَحمِلُ مَعَه كتاباً مفيداً.

تغيير اعراب فعل: مضارع منصوب

ترجمه :

حتی الک: حتی، اَن، اِذَن، لَن، لِـ، کَی + مضارع

نَاخُذُ :

يذهبون :

تُصبِحن :

تاخذون :

اُتَمِّمُ :

حتی الليل: تا شب

عليک الا تذهبَ

عين حرف اللام الناصبة

الأمم المسلمة لتستيقظ من نوم

إن المؤمنين ليعتمدوا على الله فى جميع الأحوال

علينا أن نتناول الأطعمة المفيدة لنتمتع بها فى الحياة

لنبحث عن علل تقدم الآخرين ونجعلها نصب أعيننا

عين حرف حتى يختلف عن الباقى

ماذا يجب عليک أن تعمل حتى لاتضيع دقيقة بدون إستفادة

العيد أمر ضرورى لكل أمة حتى تفرح به و تستريح من تعب العمل

أرجو من فضلک يا صديقى لاتؤجل هذا العمل الخطير حتى الأسبوع التالى

وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله

عين الفعل منصوبة

إن الأعداء هجموا على أراضينا، فلقاتلهم!

جلس المدعوون حول المائدة لتناول الطعام!

يذهب المسلمون إلى مكة المكرمة لحج بيت الله الحرام

تعمل هؤلاء الطالبات بأحكام القرآن ليغفر الله ذنوبهن!

عين اللام ناصبة

ليكرم كل متا العلماء الكبار فى المجتمع!

نرجو الله لجميع شعبنا التوفيق والسعادة فى حياتهما

هو يعمل كثيرة لتوفير ما يحتاج إليه فى البيت!

نتلو آيات الحق ليهدينا الله الصراط المستقيم!

عين المضارع المنصوب:

نجتمع حول الأستاذ لفهم موضوعات مهمة فى حياتنا

اليوم لأذهب عند جدتى الحنون لعيادتها لأنها مريضة

يستفيد الشباب من نصائح الكبار لاكتساب التجارب القيمة

سخر الله الكائنات للإنسان فى الطبيعة لينتفع بها فى حياته!

عين الخطا عن الافعال

لا تَظلِمْ كَما لاتُحِبُّ أن تُظْلَمَ.

إنَّ اللّهَ لا يُغيِّرُ ما بِقوم حَتّى يُغَيِّروا ما بِأنفُسِهم

عاهَدَ الطُّلّاب أُستاذهُم عَلَى أن لا يَكْذِبونَ.

لَن نَستَطيعَ الحضور فى الإمتحان فى الوقت المُحدّد.

عیّن ما فیه فعلان یُعادلان المضارع الالتزامیّ:

﴿... لِکَیلا تحزنوا علی ما فاتکُم...﴾

طَلبَ الأستاذ أن یَجلِسَ کلّ واحد منهم فی زاویهٔ لِیُفرّقهم!

﴿لَن تنالوا البِرّ حتّی تُنفِقوا مِمّا تُحِبّون﴾

یجب أن یکونَ کلامک لیّناً علی قدر عقولِ المُستمعین!

فی ای عباره جاء مستقبل منفی

أیّها الإنسانُ، أ لا تُعاهِد ربَّکَ ألّا تَظْلِمَ أحَداً مِنَ النّاس!

لَنْ یَفهَمَ الکُفّارُ الکلامَ الحَقّ فی حیاتِهِم!

الّذین یَطْمَعُونَ عَلَی الکَثیرِ لَمْ یَحْصُلوا عَلَی القَلیل!

عَلَیکُنَّ أنْ لا تتناوَلنَ المَأکُولاتِ ساخنَةً!

تغییر اعراب فعل: مضارع مجزوم

من، لالِه، شلم: لا لِـ شرط (مَن إنْ ما اینما اذا) لَم

یذهبُ: ولیکتب

تجعلون:

یجعلون:

نحاوِلُ: لیجتهد کثیرا لینجح

عين العبارة التی زمانها مستقبل

قرر أربعة طلاب أن يغيبوا عن الامتحان فاصلوا بالأستاذ هاتفية

كن صادقا مع نفسک و مع الآخرين فی الحياة، ولاتهرب من الواقع أبدا

قال الطلاب له نادمين : تعلمنا درسا لن أنساه أبدا

وافق الأستاذ أن يؤجل لنيم الامتحان لمدة أسبوع واحدا

عين لـ لايجی قبل صيغ المخاطب

اجتنبوا الأشرار وصادقوا الأخيار لتكونوا منهم

إن أراد أحد أن يهتدی إلی الصراط المستقيم فليتبع القوانين الدينية

إن يمكن افتح النافذة قليلا ليتغير هواء الغرفة

وقفت المعلمات ليتحدثن حول هذه المسألة العلمية؟

عين ما فيه نهی عن القيام بالعمل

لا تَبلغون بأقوالكم آمالَكم، فإنّ الهمّة دواؤكم!

لا تَغترّوا بما لديكم، فربّما يزول فی لحظة!

لا حيلة لنا إلّا التمسّک بالعمل و الالتزام بالعهود!

لا نجاح و لا فوز لمن يُريدهما بلا جهد و عمل!

عین ما لیس فیه مضارع منصوب

لینزل المطر من السّماء حتّی تخضرّ الأرض و تُخرج النّبات!

إن لم یتّخذ أخوک الأُسلوب الصحیح فی المطالعة یخسر!

علی الإنسان أن لا یحاکی الآخرین طول حیاته!

أیّها الشّباب؛ قومو لتتّبعوا ما یُبعدکم عن الحقیقة!

شرط

اگر درس بخوانی، موفق میشوی

ان تدرس تنجح

ان تدرس فاللّه یجزیک خیرا

ادات شرط (مَن، اِن، ما، اینما، اذا) + فعل 1 + فعل 2

ادات شرط (مَن، اِن، ما، اینما، اذا) + فعل 1 + فاسم

عین ما لیس فیه اسلوب حصر

من یُنفق أموالَه فی سَبیلِ الله و یُساعد النّاسَ بإنفاقه!

من یَکن لائقاً فی اُموره یَصل إلَی الدّرجاتِ العالیة!

من یَترک الحرصَ و الطّمعَ یَعش فی أمنٍ و راحة!

إذا تحمّلوا المَشاکلَ فی حَیاتِهم حَصلوا علی آمالِهم!

عین من الشرطیه

الطالب الحقیقیّ من یلتزم بآداب صفّ الدّرس!

إلی من ذهب مهران و رجع!

من یکسل فی حیاته یرفع رأیةَ الاِستسلامِ!

من یحترمک بعد سوء عملک هذا!

عین جواب الشرط مضارعا؟

مَن غَلَبَت شَهوَتُهُ عَقلَهُ فَهو شرٌّ من البَهائمِ!

و ما تُقَدِّموا لأنفسِکم مِنْ خَیرٍ تَجدوهُ عند اللهِ!

شَرُّ النّاسِ مَنْ لایَعْتَقِدُ الأمانةَ و لایَجْتَنِبُ الْخیانةَ!

مَن علَّمَ عِلماً، فَلَهُ أجرُ مَن عَمِلَ بِهِ، لاینقُصُ مِن أجرِ العامِلِ!

عین ما لیس فیه اسلوب الشرط

من سار فی طریق العلم لایندم و إن تحمّل المشقّة!

من یَلتزم بأن یکون عاملًا بما یقول فهو مؤمن!

من یُعامل الناسَ بالسّوء لینظُرْ إلی عاقبة أمره!

من یُحسن إلی النّاس فاللّهُ یَجزیه علی أحسانه!

"إنْ واجَهْنا مصاعب الحياةُ فی الشباب فسنصبح أکثر صبراً فی الشیب!":

اگر در نوجوانی سختی زندگی را درک می‌کردیم، پس به هنگام پیری صبر بیشتری داشتیم!

اگر با مشکلات زندگی جوانان روبه‌رو شویم، درنتیجه صبرمان به هنگام پیری بیشتر خواهد شد!

اگر با مشکلات زندگی در جوانی روبه‌رو شویم، پس در سالخوردگی صبورتر خواهیم شد!

چنانچه در نوجوانی با سختی‌های زندگی مواجه می‌شدیم، درنتیجه صبر ما در سالخوردگی بیشتر می‌شد!

معرفه و نکره:

نکره مگر اینکه معرفه(۶) باشه

مضمر	رایتُها	ایاک نستعین	هم استیقظوها من النوم	
اضافه	کتابُ المعلم	کتابُ معلمِ	باب صف مدرسه علی	
علم	اللّه ربکم	یعیش هادی فی ایران	السعید لیس من علی دین آبائه	
ذوالام	الطفل	اللّه	آلام	اَلَستُ
موصول	من و ما	الذی و التی		
اشاره	هذا ، هذه ، ذلک ، تلک ، که دور تو بگردم		هر تنوینی، نکره نیست؛ علم	

موصول:

عام

ربطی به جنسیت و تعداد نداره: من و ما

الطالب من یطالع بدقه

رایت فی طریق المدرسه ما کان فی الشارع

من

ما

الطالب

الطلاب

الطالبه

الطالبات

الاشیاء

خاص

جنس و تعداد دارد

الذی

التی

الذی

التی

الذینِ

الذینَ

اللاتی

الرسل الذین ارسلوا لهدایه الانسان کانو یعملون بجدٍ

انواع من:

موصول: اسم معرفه، نقش میگیرد (کسی که)

استفهام: همیشه اول جمله، مجزوم نمیکنه (چه کسی)

من هو؟

من کان یمشی علی الارض بهدوء؟

شرط: همیشه اول جمله، دو فعل /فعل + قاسم (هر کس، هر کسی که)

من جهد وجد

من یستغفرِ اللّه یجدِ اللّه غفورا رحیما

من أنتَ حتّى تسألينی سؤالات لا أريد إجابتها!

من يحترمک بعد سوء عملک هذا!

إلی من ذهب مهران و رجع!

الطالب الحقيقیّ من يلتزم بآداب صفّ الدّرس!

من يكسل فی حياته يرفع رأيةَ الاِستسلامِ!

طلعت الشمس و ظهر الصبح، ولكن من يدری هل يتّصل هذا الصبح بِليلته!

إنّما يجنی ثمرات العمل فی الشّيب من سبق فی زرعه عند الشّباب!

إنّما ينتفع بالتّجارب من يعتبر منها و يجعلها نصب أعينه!

لاتعتمدنّ على من لايستطيع أن يُنجی نفسه من المهلكة!

ما وجدت فی حياتی من يفهمنی كما اُريد!

إنّی أعرف المسائل حولی فمن يعلم سبب فشلی غيری!

عيّن "مَن "لاتكون إلّا معرفة

من تَكلَّمَ حول حفلة تكريم يوم التلميذ حاضر بيننا

من تَعَلَّمَ الدروسَ نَجَحَ فی امتحانات نهاية السنة

من ذَهَبَ إلی المكتبة و أخَذَ كتاب الفيزياء من مسؤول المكتبةِ

أخَذتْ الكتاب من صديقی و قرأتُه جيّداً يومَ أمسِ

عيّن "مَن" أو "ما" عاملةً:

مَن يطالع دروسه بدقّة ينجح فی الامتحانات!

یسبّح لله ما فی السّموات و ما فی الأرض!

ما شاهدتُ الّذی أتی بالصُّحف إلی الشرکة!

مَن أعطی الفقراء فی ظلمات اللّیل طعاماً؟!

انواع ما:

نفی: قبل فعل ماضی

موصول:اسم، اکثرا وسط جمله

استفهام: همیشه اول جمله، مجزوم نمیکنه(چی، چه چیزی)

شرط: همیشه اول جمله، دو فعل/ فعل+ فاسم (هر چه، هر چیزی که)

ما نطلب منک شیءٌ

مانطلب منک شیئاً

ماسالتکم اجراً

ما سالتکم اجرٌ

ما الفخرُ إلّا لِأهلِ العلم، إنَّهم على الهُدَى!

ما نوع الرّائحةِ الّتی کانَت تَفوح فی الشّارِعِ!

ما عرفَتنی زَمیلتی حینَ مَررت مِن جَنبِها!

إنّی أعرف المسائل حولی فمن یعلم سبب فشلی غیری!

إنّی أعلَم بما تکتمونَ فلا اُصدّق کلامکم!

ما قسم الله للعباد شیئاً أفضَل من العقل!

ما تسمعوه فاکتبوه علی الأوراق بدقّة!

أفضل الأعمال ما فیه صلاح و رشاد!

﴿... وَ ما قَتَلُوهُ و ما صَلَبُوهُ وَلکِنْ شُبِّهَ لَهُم﴾

إنْ تَنظروا إلی الطّبیعَةِ وَ المخلوقات تُدرکوا عظمةَ اللهِ!

مَنْ یَصبر أمامَ صعوباتِ الحیاةِ یَنجَح فی أعمالهِ!

فی أیّ عبارةٍ جاء فِعلُ النَّفی؟

اُسافِرُ إلی مناطِقِ العالمِ المُختَلفةِ لأُشاهدَ مناظر جمیلة!

النّاسُ لا یکونونَ إلّا مَعادن کمَعادن الذَّهبِ و الفضّة فی کلِّ العصورِ!

ما نُعطی الآخرین مِن أموالِنا یُضاعفُهُ اللهُ لَنا!

یَذْهَبُ العُقَلاء أیّام الخَمیس إلی مرکزِ المدینةِ لتهیئةِ ما یَحْتاجونَ إلیه!

عيّن "ما" الشرطيَّة:

ما نوع الرائحة الجميلة الّتی کانت تنتشِر فی الشارع!

ما ساعدتنی صَدیقتی حین ساعدتُها فی الشدائد!

ما الفخر إلّا لِاهل العلم!

ما تَعمَل تحصدهُ غداً دون شکٍّ!

عَيِّن ما فيه من المعارف اقل

إن الجوّ فی أردبیل فی الشّتاء باردُ جدّاً!

فی الشّارع طفلٌ، الطفلُ محمدُ!

فی مازندران بحرُ يجذبُ سُيّاحاً مِن کلّ مکان!

کان فرعونُ يعيش فی عصرٍ جاء موسی رسولا

عین عباره لیس فیها من المعارف علم و معرف بال معا

سافَرنا إلی مُحافظةٍ إیلام و شاهَدنا غاباتها!

قَد یَبلغُ ارتفاعُ بعض هذه الأشجارِ فی البَرازیل أکثرَ مِن مئةِ مترٍ!

شلّال آنجل أطول شلّالات فی العالم!

نوعُ من هذه الشّجرة فی جزیزة قشم الَّتی تَقَعُ فی محافظة هُرمزجان!

عین الذی فیه المعارف اقل

و یظنّ کثیر من النّاس أنّ النّجاح بالنسب!

ثمّ قال: النّاجحُ سعید بالسّعی لا نسباً!

أجابَ: النّجاحُ یحتاجُ إلی الجهد و المحاولة!

قالَ سعیدٌ للمعلم: کیف أنجحُ فی الحیاة؟

عیّن ما فیه المعارفُ أکثرُ مِن الباقی:

سَجَّلَت إیرانُ رَقَماً قیاسیّاً فی الانتخابات النِّفطیّة!

یَصیرُ الجوُّ فی أردبیل فی الشتاء القادم بارداً جدّاً!

العنبُ البرازیلیّ تختلِفُ عَنِ الأشجارِ الموجودةِ فی العالَمِ!

الخبزُ شجرةٌ تنمو تدریجیّاً فی الغاباتِ الأستوائیّةِ!

اللهُ غفــو رٌ

افعال ناقصه

کان

اصبح

صار

لیس

مادام

مازال

حروف مشبهه بالفعل

اِنّ

اَنّ

لانّ

لکنّ

لیت

لعل

ظلام البحر یتکون من سبعه الوان

قم عن مجلسک لابیک و معلمک و ان کنت امیرا

یسیر الطیور الی اقصی نقاط الارض

هم کانوا خاسرین

قالَتِ الأعْرابُ آمَنّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنوا ولٰكِنْ قولوا أَسْلَمْنا.

نبتعد عن الکلام و العمل قبل أن نتأمّل فیهما!

عيّن الصّحيح فی الجزء الّذی قد أُكّد:

إعلم أنّ الّذين يسرفون فی النعم الإلهيّة يخسرون فی الدنيا و الآخرة! (الّذين)

عليكن أن تُحافظن على كرامة بلاد كنّ مادمتنّ على قيد الحياة! (ضمير كُنّ)

إنّ هذين البلدين متقدّمان فی الصّناعة و مشهوران فيها! (هذين البلدين)

إنّ العمل الصالح تبقى بركاته مادامت السماوات و الأرض تسيران! (الجملة بأجمعها)

فی ای عباره ليس المتكلم مترددا على كلامه

أظنُّ أنّ التديّن فطریّ فی الإنسان!

لعلّ التّديّن فطریّ فی الإنسان!

إنّ التّديّن فطریّ فی الإنسان!

كأنّ التّديّن فطریّ فی الإنسان!

فی أی جملة يوجد تأكيد أكثر

إنّا جعلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون

إنّ المسلم لا يسبنّ الذين يدعون من دون الله

أقم وجهک للدين حنيفة ولا تكوننّ من المشركين

إنّ التدين فطری فی الإنسان

عيِّن الصّحيح عن "إنَّ" فی الآيۀ الشريفۀ: ﴿إنّ الله لا يُضيعُ أجرَ المُحسنين﴾

"إنّ" يؤكِّد الجملۀ بكاملها!

"إنّ" يؤكِّد عبارۀ "لا يُضيعُ أجر المحسنينَ"!

"إنّ" يؤكِّد فعل "لا يُضيعُ"!

"إنّ" يؤكِّد كلمۀ "الله"!

اَنَّ: يرتبط، يواصل، اتصال، جملتين

انا اريد ان اكون من المصلحين

انی اعلم ان الله خلق السموات والارض بالحق

قرات فی كتاب: ان الله خلق السموات والارض بالحق

ان احسنتم احسنتم لانفسكم

عين الحروف المشبهۀ بالفعل أداۀ للتشبيه

ليت هذا المجاهد يقاتل عدونا كالأشد!

إن أوراق الأشجار مخضرۀ فی فصل الربيع

أصيب أخی بالفشل ولكنه واصل محاولاتها

كان الماء عند الصباح صفحۀ بيضاء

عين ما لا يدل على التشبيه:

إن الله يحب الذين يقاتلون فی سبیله صفا کأنهم بنیان مرصوص

إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثر الناس لايشكرون

التحديد فی اختیار الکتب کالتحدید فی اختیار الطعام

لا فقر أشد من الجهل ولا عبادة مثل التفكر

عين الحرف الذى جاء لبيان الظن و التخمين

وظنوا أن إبراهيم هو الفاعل فأحضروه

لعل الظن لا يغنى عن الحق شيئا

كأن فی حقیبتک فأسا یا مسافر

یا لیتنا کنا معک یا حسین

عيّن ما فيه المشابهة:

الّذين يقاتلونَ فی سبيله صفّاً كانهم بنيان مرصوص

كلُّ طعامٍ لا يُذكَرُ اسمُ اللّه عليه فإنّما هو داءٌ و لا بركةَ فيه!

إرضاءُ الناسِ غايةٌ لا تدركُ!

لا كنزَ أغنى مِن القَناعة!

عین الکلمهٔ التی تکمل جملهٔ ما قبلها

آیات الله کثیرهٔ ولکن أکثر الناس لا یعقلون فیها

ألا تعلم أن الله علی کل شی محیط

کان إرضاء جمیع الناس غایهٔ لا تدرک

إن الحسین (ع) مصباح الهدی و سفینهٔ النجاهٔ!

عین جواباً فیه رفع الإبهام عن ما جاء قبله

إن الله یأمر بالعدل و ینهی عن الفحشاء لعلهم یتذکرون

اشترک الطلاب فی السباق العلم لکنهم لم یفوزوا

کأنهن الیاقوث و المرجان

الناس عاهدوا أن یساعدوا البؤساء لیرضی الله عنهما

کاش مردم می دانستند دوستی برتر از کتاب نیست!

لیت الناس یعلمون لا الصدیق أفضل من کتاب

لعل الناس قد علموا لا صدیق فضلی من الکتاب

لیت الناس یعلمون لا صدیق فضلی من کتاب

لیت الثاش علموا لا صدیق أفضل من الکتاب

عین ما لانرجوا وقوعه

لعلّ الفوز حلیفک فی الدّنیا!

لیت النّجاح یتحقّق فی حیاتک!

یَدّعی أنّه کریم لکنّ الواقع لا یؤیّد ذلک!

کأنّ الخیر ینزل علیک قریباً!

عین ما یدل علی التمنی لأمر غیرممکن

فی یوم صیف حار کأن الشمس ملتهبة فی قلب السماء

إن الإنسان یرجو الحیاة فی الدنیا و یکره الشیب مع أنه یزیده وقارا

زملائی یحتفلون بنجاحهم و تفوقهم فی جو بهیج

لیت الإنسان مثل الریاضیات تفشله بعض النظریات!

لعلنی أزور مرة أخری زمیله فی الجامعة أحب أن أتعلم منه کثیرا

ایکاش من باری دیگر در دانشگاه یک همکلاسی را که دوست داشتم از او بسیار یاد بگیرم، میدیدم!

من شاید باری دیگر در دانشگاه یک همکلاسی را ببینم که دوست دارم بسیار از او بیاموزم

ای کاش من دوباره در دانشگاه همکلاسی ام را که دوست دارم از او زیاد بیاموزم، ببینم!

شاید دوباره همکلاسم را در دانشگاهی که دوست دارم بسیار در آن یاد بگیرم، ببینم!

عندَما نَشکُّ فی نزولِ المَطرِ، نَقولُ(ترجی):

لعل السّماءَ تُمطرُ عَلینا بعدَ ساعاتٍ!

لیتَ السّماءَ تُمطرُ علینا عَن قریبٍ!

کانَ السّماءُ تُمطرُ علینا هذه اللّیلةَ!

إنَّ السّماءَ تُمطرُ عَلینا هذا الأُسبوع!

لای نفی جنس(اشد نفی)

لا اکراهَ فی الدین

عین لا نافیه للجنس

الّذی لایعمل بجدّ لن یری النّجاح فی حیاتِهِ!

یجب أَن نعترف بِأَنَّهُ لا نَفْعَ فی مُجالَسَةِ الجهّال!

إِنَّ أَخاهُ لایدرسُ فی الْبَیْتِ، بَلْ فی المدرسةِ!

تسلّمتُ علی صدیقی لا عَلی جمیع الحاضرین!

عین لا نافیه للجنس

لایتکاسل المُؤمنُ فی أَداءِ واجباته!

أَعْلَمُ أَنَّ زمیلتی لاتحضر الیوم فی الصَّفِّ!

لا سَعادةَ فی الدُّنیا بدون سعادةِ الآخرةِ!

عَلِمْتُ أَنَّ النّجاةُ فی الصِّدقِ لا فی الْکِذْبِ!

انواع لا

نهی

نفی

نفی جنس

این نه اون

عیِّن الصّحیح عَن نوع "لا":

علی العُلماء ألّا یقولوا ما لایُنفع شَعبنا نفعاً! (النّاهیة – النّافیة)

لانَفع فی مُجالسة من لایعرف قیمة الوقت! (النّافیة للجنس – النّافیة)

لاتَلعبنَ هناک یا بناتی! إنّی لاأُشاهد لعبکُنَّ! (الناهیة – النّافیة للجنس)

لاتَکشفی عیوبَ صدیقاتک و أنتِ لاتعلَمین کلَّها! (النّافیة – النّاهیة)

عین الخطا فی بیان نوع لا

لاتَحزَن! إنَّ اللّهَ مَعَنا! (ناهیة)

کأنّ إرضاءَ جمیعِ النّاسِ غایةٌ لاتُدرَکُ! (نافیة)

لاتدیَّن لمَن یَسخر من أخیه! (نافیة)

فی هذه المدرسةِ لا طالبَ راسِبٌ! (النافیةِ لِلجِنسِ)

استثناء

مستثنی منه ← کودکان دیده شدند بجز علی

مستثنی

فعل ......

جمله ......

دیده نشدند به جز علی

تکنیک hp

فعل مثبت

کُل/جَمیع/اَحَد/شَئ

+ الّا +

من + ضمیر

بعض + ضمیر

تام

و هویج رو پیدا کن!!!

حصر

عين ما فيه « الحصر

فی أیّ عبارةٍ یوجد الحصرُ

حصر
اختصاص
مستثنی منه محذوف
تکمل جمله قبل الا

استثنا

عین ما لیس فیه « الحصر

یوجد فیه مستثنی منه

عیِّن أُسلوب الإستثناء

عین ما لیس فیه « الحصر»

لا بین الصراط المستقیم و الدین الحق إلا الرسل المبشرون!

ما أقام الوجه للدین حنیئا إلا من لا یکون من المشرکین!

ما حمل الفأس لکسر الأصنام إلا من اطمأن بعمله

لا یتعلم الدرس أحد إلا الذی کان من المستمعین!

عین ما فیه « الحصر»

لم نشاهد الأفلام من التلفاز إلا ما یفیدنا منها

ما صعدنا إلی الجبال المرتفعة إلا الأقویاء ما

ما أتذکر من أیام طفولتی إلا قصص أبی الجمیلة

لم تبلع الأسماک صغارها فی هذا الفلم إلا سمکة واحدة!

عين المستثنى يختلف

لا تتساقط من أعيننا إلا دموع الفرح!

لا يحملنا الله شيئا إلا ما لنا طاقة به

كان الناس يمشون بسرعة إلا من فى رجله ألم!

ذكرياتى من أيام سفرى كلها جميلة إلا واحدة منها !

فى أىّ عبارةٍ يوجد الحصرُ؟

كلّ شىءٍ يرخص إذا كثر إلّا الأدب!

لم يُشاهد رسولُالله هناک إلّا جماعتينِ!

أيّها النّاس لاتَطلبوا فى حياتكم شيئاً إلّا الحسنات!

لايتمتّع بهذه القدرةِ حيوان إلّا الخفاش!

عيِّن أُسلوب الإستثناء:

ر□جع صديقنا إلى البيت بسرعة و ما كان معه إلّا هاشم!

لن يَنجح فى هذه الإمتحانات الصّعبة إلّا الّذين يجتهدون!

ألم تسمعوا أنّ كلّ شىء يَنقص بالإنفاق إلّا العلم!

ما حَفِظ مفردات الدّرس الثّالث إلّا طالبانِ!

عيّن "إلّا" للحصر

لا یَکفر بآیات اللهِ أحد إلّا الفاسقینَ!

لِم قبِّلتَ أولادک الصّغار إلّا إبراهیم!

الیوم لیس لکم عمل إلّا مشاهدۀ أفلامکم المحبوبۀ!

لمّا دخلَت الطّالباتُ الصفِّ ما کان بأیدیهنّ إلّا کتاب العربیّۀ!

عین ما لیس فیه الاستثناء

ما وُجِدَ فی الأدیان الإلهیّۀ إلّا آراء صحیحۀ و دقیقۀ!

لا یُکمَل دیننا بشیءٍ إلّا بحُسن الخُلُق!

ما شاهدتُ فی السّماء الزّرقاء شیئاً إلّا سَحابةً بیضاءَ!

ما عندنا شیءٌ إلّا الکتب الدّراسیّۀ!

عین ما لیس فیه ادات الا

تأمُل المرأۀ الفنّانۀ بعد حفلۀ التّکریم الّا تغترّ بثناء أحد علیها!

سمعتُ الخبر السّارّ و هو لیس الّا تخرّج زملائی المُجتهدین!

هذا المرض الشّدید لا یُسبّب الّا تقاعد أبی من عمله!

لا أرجو الّا تقدم هؤلاء الشّباب فی دراساتهم!

عيِّن الإختصار بأسلوب الإستثناء مِن العبارتَين: "حَضَرَ الطّلابُ فی صالة الإمتحانِ وَ ما حَضَر واحدٌ مِنهُم!"

ما حَضَرَ فی صالةِ الإمتحانِ إلّا الطّلاب!

حَضَرَ الطّلابُ فی صالةِ الإمتحانِ إلّا واحداً مِنهُم!

ما حَضَرَ الطّلابُ فی صالةِ الإمتحانِ إلّا واحدهم!

أ حَضَرَ فی صالةِ الإمتحانِ إلّا واحدٌ مِن الطّلابِ؟!

"لم يدافع عن ديننا و كرامة شعبنا إلّا الذين كانوا يضحّون بأنفسهم راغبين."

از دین و کرامت ملتمان دفاع نکردند مگر کسانی که با تمایل خودشان را قربانی می کنند.

فقط کسانی که با میل و رغبت، خودشان را فدا می کردند، از دین ما و کرامت ملت ما دفاع کرده اند.

فقط کسانی که با میل و رغبت خودشان را فدا می کنند از دین و بزرگی ملت ما دفاع نکرده اند.

از دین و بزرگواری ملت ما دفاع نمی کنند جز کسانی که رغبت دارند خودشان را قربانی کنند.

﴿فسجد الملائکة کلُّهم أجمعون إلّا إبلیسَ اسْتکبَرَ و کان من الکافرین﴾: پس ....

فرشتگان همگی جمع شده، سجده نمودند به‌جز ابلیس که سر باز زد و کافر بود (شد)!

همهٔ فرشتگان یکسره سجده کردند، جز ابلیس که گردن‌فرازی کرد و از کافران بود (شد)!

همگی فرشتگان باهم سجده کردند، جز ابلیس که سرپیچی کرد و از کافران به شمار آمد!

از میان همهٔ فرشتگان فقط ابلیس سجده نکرد و نافرمانی کرد و از کافران بود (شد)!

"لن ينجح فی المجتمع الانسانیّ إلّا من لایحرّمون طیبات ما أحَلَّ اللّٰه:".

هرگز کسی در جامعه بشری موفق نمی‌شود به‌جز کسانی که حرام نمی‌سازند پاکی‌هایی را که خداوند حلال می‌کند.

در جامعه بشری، فقط کسانی موفق خواهند شد که چیزهای پاکی را که خداوند حلال کرده، حرام نمی‌کنند.

کسانی که در جامعه بشری، چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند حلال کرده است، حرام می‌سازند موفق نخواهند شد.

در جامعه انسانی پیروز نخواهند شد مگر کسی که حرام نکرده است پاکی‌هایی را که خداوند حلال کرده است.

عیّن "الطّلّاب" یکون المستثنی‌منه:

دخل الطّلاب صفّهم الکبیر إلّا من کان مریضاً جدّاً!

یتعجّب أصدقائی من أعمال الطّلاب إلّا صدیقاً یصدقُ!

هؤلاء الطّلاب یُساعدون الفقراءَ إلّا ذلک البائس!

ما شاهد المعلّمون الطّلاب إلّا معلّماً واحداً!

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

عین المستثنی منه فاعلا

على الشّجاع أن لايخافَ أَحداً إلّا ربَّه القدیرَ!

لیس للإنسان فی الآخرة عملٌ إلّا ما عَمِلَ فی الدّنیا!

لایُکتبُ شیءٌ على السَّبّورة إلّا ما یکتب المعلّم علیها!

لم یَرسُبِ الطُّلّابُ فی امتحانات نهایة السَّنة إلّا مَن لم یَدْرُس جیِّداً!

حال

یبین حاله الاسم

علی خندان آمد.

علی، در حالی که میخندید، آمد.

علی، پدرانه خندید.

یبین حاله الفعل

قُلتُ لصَديقی: أسألُکَ أمراً وَ أنا أرجو أنْ تَقْبَلَه!

المؤمنُ خاضِعٌ و يَعتَصِمُ بِحَبلِ اللّه!

رأيتُ طفلاً باکياً يَمتَنِعُ عَن أکلِ الطّعامِ!

شاهد أهل القريةِ مُنادياً يدعوهم إلی الأعمال الصّالحةِ!

کلّ ما يجعله ربّنا فی مسير حياتنا حکمةً يَنْفَعُنا وَ علينا أن نشکره شکراً!

ناديتُ ربّی فی کلّ کرب مُتواضعةً!

هرَبَ الأطفال خائفينَ عندما دخلتُ البيت!

أ تَدری لماذا تکونُ صديقَتُنا حزينةً اليومَ؟!

يشتغل منصورٌ فی مزرعةٍ کانت قريبةً مِن بيتنا و هو نشيطٌ!

علمت ان لکل شیء دورا مهما

ربّت الأمّهات أبناءهُنَّ علی القيم الإنسانيّةَ دائما

"إنّا أرسَلناکَ بِالحَقِّ بَشيراً

جاء ابی مسرورا

﴿فَبَعَثَ اللّهُ النّبيّينَ مُبَشِّرينَ﴾

رأيتُ تلميذاً فَرِحاً يَلعبُ فی الملعبِ معَ زملائه!

بَعْضَ الأحيانِ يَبکی الإنسانُ وَ هو مسرورٌ!

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور
www.Emkan.app

حال

مشتقیناً بدون تطابق

جمله حالیه

و + جمله اسمیه

عین الحال مختلفه

شجّعنا فریقنا الفائز فی ملعب آزادی و نحن نشعُرُ بالفرَح!

یشتغل منصورٌ فی مزرعةٍ کانت قریبةً مِن بیتنا و هو نشیطٌ!

رجع اللّاعبون من المباراة فی السّاعة الثّامنة لیلاً و هم یبتسمون!

شاهدتُ المُزارع مجتهداً و هو یَبحث عن طریقٍ لِحمایة المحاصیل!

عین ما فیه الحال

جاء لنا مدعوون کثیرون هم تناولوا الطعام فی ساعة متأخرة

جاء ضیوف کثیرون و جاء صاحب البیت و استقبلهم بحفاوة

جاء الضیوف الکثیرون و هم یتکلمون عن ذکریات الضیافة

جاء لنا المدعوون الکثیرون حین کنا نتکلم مع أصدقائنا

عین ما لیس فیه الحال

الطّلابُ یَذهَبونَ إلَی صُفوفِهِم وَ هُم مُسرِعونَ!

اللّهُمّ انهَجْ لی إلَی مَحَبَّتِکَ سبیلاً!

وَجَدْتُ صدیقتَینِ فی السّوقِ مُبتَسِمَتَینِ!

"إنّا أَرسَلناکَ بِالحَقِّ بَشیراً و نَذیراً"

عین الحال

ترک الوطن لا یکون علی مُعجبیه سَهلاً بل صَعباً!

إنّی شاهدت أحد الأصدقاء صَباحاً مشغولاً بالرّیاضة!

لا یفسد اللّحم فی الهواء البارد مدّةً طویلةً!

إذا ذهبتَ و هجرتَنی أصبحتُ وحیداً!

انتخب ما لا یبین حاله المفعول

قام الطّالب بجولة علمیة مُشتاقاً للبحث عن الأسماک!

﴿کانَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرینَ﴾

إنّها تُطلِقُ قَطَراتِ الماءِ مُتَتالِیَةً مِن فَمِها إلَی الهَواءِ!

تغذیتها صعبة لأنّها تأکل الفرائس حیّةً!

عين صاحب الحال مفعولا

اِستقبلتُ العائدينَ مِن مكّةَ المكرمّةَ مُشتاقاً لزيارتهم!

أصدقائی، أسرعوا إلى إصلاح اعمالكم مجتهدينَ!

يا أيّها الوالدان، علِّما أولادكما مشفقين عليهم

رأَيْتُ ابنک الوحيد الصّغير اليوم ناجحاً!

مفعول مطلق

حال ← علی، گریان آمد.

مفعول مطلق ← علی زیبا می نویسد .

ابتسم المعلم ابتساماً

معلم حتما لبخند زد.

ابتسم المعلم ابتسام الاب ِ (اضافی)

معلم مثل پدر(پدرانه) لبخند زد.

ابتسم المعلم ابتساماً جميلاً (وصفی)

معلم زيبا لبخند زد

عين المصدر لا يبين نوع الفعل

يا أصدقاء أوفوا بعهدكم وفاء جميلا

شجعنا أصدقائنا فی المسابقة تشجيعا كثيرا

إن كنت تلميذا عاقلا فلا تضيع أوقاتک تضييعا

إن العطار يشم رائحة المسک شما دقيقا و يعرفه

عين ما فيه التأكيد للفعل

لم يكن الإنسان حتى الآن يغوص فی البحر غوصا أكثر من عشرين مترا

إن لون الأحمر أول لون يختفی فی البحر إختفاء و فی أعماقه ظلمةٌ كثيرةٌ!

يعفو الكريم عن أخطاء الناس بكرامته عفوا ينساه و ينسونه!

لن نسمح إلى أعدائنا أن يتعدوا علينا ما قاطعا!

عيِّن مصدراً يؤكّد وقوعَ فعله:

إنّه يعتقد أن لايكون اجتهادک اجتهاداً يهدی إلى النّجاح!

إن واصلتَ هذه الحالة مواصلةً فستشاهد مشاكل جديدةً!

لماذا لم تُخبر لی أخباراً من الحوادث المُرّة فی العالَم!

إنَّنا نَرجو أن يعاملنا المدير معاملةً حسنةً!

عين ما ليس فيه المَفْعُول المُطْلق لِلنّوع:

يُخبِرُ القرآنُ النّاسَ عن الحقائقِ العظيمةِ إخباراً عجيباً!

لا يَعيشُ المؤمنُ فی الدنيا عيشَ البُخَلاء!

يَنْظُرونَ إلى العالِم نظَرَ العابدين فيه!

مَن هَرَبَ مِنَ الواقع واجَهَ مشاكل كثيرةً مواجَهَةً!

عيِّن المفعول المطلق يختلف نوعه

رأتها الأُمّ عند الغروب و ابتسمت لها ابتسامةً جميلةً!

اِصبِروا أمامَ مَشاكِلكُم فی هذه الدنیا صبرَ المؤمنین الحقیقیّن باللهِ!

هَل نظرت إلی أسبابّ فَشَلک فی دراستک نظراً دقیقاً؛ أیّتها الطّالبةُ؟!

مَن هَرَبَ مِنَ الواقع واجَهَ مشاکل کثیرةً مواجَهَةً!

عيِّن مصدراً يؤكّد وقوعَ فعله:

إنّه یعتقد أن لا یکون اجتهادک اجتهاداً یهدیک إلی النّجاح!

إن واصلتَ هذه الحالةَ مواصلةً فستشاهد مشاکل جدیدةً!

لماذا لم تُخبر لی أخباراً من الحوادث المُرّةِ فی العالَم!

إنّنا نرجو أن یعاملنا المدیر معاملةً حسنةً!

الّذی صبر علی صعوبات الدّهر فقد ذاق حُلو الحیاة و مرّها ذوقاً!":

شیرین و تلخ زندگی را کسی چشید که در برابر سختی‌های روزگار شکیبایی به خرج دهد!

هرکس بر دشواری‌های زندگی شکیبایی ورزد به‌طورقطع تلخی و شَیرینی آن را چشیده است!

دشواری‌های زندگی را اگر کسی تحمّل کند ناگزیر از چشیدن تلخی و شیرینی آن هم هست!

کسی که بر سختی‌های روزگار صبر کرده است حتماً شیرینی و تلخی زندگی را چشیده است!

"هؤلاء الأطفال قد أجابوا عن أسئلةٔ سألناها إجابةَ الصّادقين!":

این بچه‌ها به سؤالاتی که پرسیده بودیم پاسخ دادند درحالی‌که راست‌گو هستند!

این بچه‌ها قطعاً با راست‌گویی به پرسش‌هایی که ما پرسیده‌ایم پاسخ می‌دهند!

این کودکان به سؤالاتی که پرسیده بودیم همچون راست‌گویان پاسخ داده‌اند!

این‌ها کودکانی‌اند که راست‌گویانه سؤال‌های ما را پاسخ داده‌اند!

"کانَ الفرزدق یَستُرُ حبَّه ولکنَّه جَهَرَ به جَهْرَ منْ لا خوفَ له!": فرزدق ....

علاقه‌اش را مخفی کرد، ولی او سرانجام آن را به تحقیق آشکار کرد!

عشقش را پنهان می‌کرد، اما او آن را همانند کسی که هیچ ترسی نداشت، آشکار کرد!

محبتش را پنهان می‌کرد، اما آن را همانند کسی که ترسی در او نیست به تحقیق فاش کرد!

عشق خود را مخفی کرد، ولی او سرانجام همچون کسی که ترسی نداشت آن را آشکار نمود!

"مادر برای تربیت فرزندانش و ساختن جامعه بسیار تلاش می‌کرد!":

تجتهد الأمّ لِتربیةٔ أولادها و بناء المجتمع اجتهاداً کثیراً!

کانت الوالدةٔ تُحاول لِتربیةٔ أولادها و بناء المجتمع محاولةً بالغةً!

کان اجتهاد الأمّ لِتربیةٔ الأولاد و بناء مجتمعها اجتهاداً کثیراً!

کانت الأمّ تَسعی لِتربیةٔ أولادها و بناء المجتمع سعیاً أکثَر!

عربی کنکور

حمیدرضا پور طالبی

این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

درک متن ، نه ترجمه متن

الخطر علی اکتساب امراض القلبیه فی الذین یستعملون الغرشه اکثر من الآخرین. للغرشه ماده مضره تسمی بالنیکوتین: خطر ابتلا به بیماری های قلبی در کسانی که از (غرشه) استفاده میکنند، از بقیه بیشتر است. (غرشه) ماده سمی ای به اسم نیکوتین دارد.

گزینه هایی که نوعی حصر دارند، مثلا دارای کلماتی از جمله فقط، کل، دائما، جمیع، یختص و ... و ساختار لای نفی جنس یا ساختار حصر، احتمالا غلط اند. قطعی نیست اما احتمالی میتوان آنها را رد کرد.

إنّ الصّقر طائر قدأصبح رمزاً لکثیر من الدّول. فالعرب کانوا یعبدونه. و فی أیّام الحروب الصّلیبیّة کانوا آ د یرسمونه علی الأعلام کرمز للشّجاعة. هذا الطّائر متمایز بحدّة بصره و بحاسّة شمّه القویّة و بسرعة طیرانه! تضع أنثی الصّقر بیضها (البیض: ما یتولّد منه المولودُ) فی العشّ ثمّ تترکه تحت أشعّة الشّمس، و لهذا یستطیع الخافاش ان یاکل بیضه. یکون للصّقر طریقة خاصّة فی الصید. یطیر مثل کثیر من الطیور أثناء النّهار غالباً. فیقبض علی الصّید بأیدیه القویّة ثمّ یضربه بجناحیه. بعد ذلک یدخل منقاره فی جسمه و یُلقیه علی الأرض، و هکذا یُهیّئُه للتّناول!

عیّن الصّحیح:

الخفّاش یعیش قرب عشّ الصّقر و یمنع العدوّ من الاقتراب ببیض الصّقر!

للصّقر حاسّة باصرة قویّة لکنّه لایصید صیده بعد غروب الشّمس أبداً!

حرارة الشّمس تسبّب أن لایخرج ولدُ الصّقر من البیض!

إنّ الخفّاش یعتبر أحد أعداء بیض الصّقر!

عين الخطا

ما كان العرب يستفيدون من الصّقر إلّا فى ساحة الحرب!

حين يصيد الصّقر، لايموت الصّيدُ فى نفس الوقت!

قدرأى العرب فى الصّقر أمراً أعجبهم، فجعلوه إلهةً!

تجعل اُنثى الصّقر بيضها فى مكان لا سقف له!

عين الخطا عن موضوع صيد الصّقر:

يجعل الصّقر دائماً صيده تحت أشعّة الشّمس ثمّ يتناوله!

يُقتل الصّيد بعد أن يُضرب و يُلقى على الأرض!

لا عجب إذا سمعنا أنّ الصّقر وجد طعمته بأنفه!

يستطيع الصّقر أن يرى صيده من مكان بعيد!

ما الّذي جعل الصّقر متميّزاً عن بقيّة الحيوانات! عيّن الخطا

النّاس يختارونه فى المجالات المادية و المعنويّة!

جثّته القوية تمنعه من الطيران السريع!

لاتنام اُنثى الصّقر بيضها!

كيفيّة صيده تختلف عن البقية!

۴۰- « يكتسب»:

۱) فعل مضارع – للغائب – ماضيه « اكتسب» على وزن افتعل / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

۲) للغائب – مصدره « اكتساب» من وزن انفعال – معلوم / مع فاعله جملةٌ فعلية، و مفعوله « تجارب»

۳) فعل مضارع – صيغته مفرد مذكّر غائب – له حرفان أصليّان و حرفان زائدان / مع فاعله جملةٌ فعلية

۴) مضارع – حروفه الأصلية «ك س ب» و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله « تجارب»

۴۱- « يُفكِّر»:

۱) للغائب – حروفه الأصلية «ف كّ ر» و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية

۲) صيغته للمفرد المذكّر الغائب – مجهول – مصدره « تفكير» على وزن أو من باب « تفعيل»

۳) فعل مضارع – للغائب – ماضيه « فكَّر» على وزن فعّل، مصدره « تفكُّر» من باب « تفعّل»

۴) مضارع – حروفه الأصلية « ف ك ر» و له حرف زائد واحد / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

۱– معلوم و مجهــــول

۲– باب و تعداد حروف

۳– صیغــــــــــه

۴– فاعل و مفعـــول

معلوم و مجهول

فرض کن: فعلا معلومن!

ماضی: ـُــــــِـل

مضارع: ـُــــــَـل

نشه معلوم خوند: یُستخدم

بابا رو حفظ نکنی، میام برات!!

افتعال:

انفعال:

انتشر:

استفعال:

استکبر:

تَتَ ....

تعداد حروف زائد: ماضی

استفعال

افعال / تفعیل / مفاعله

صیغه

تُساعِد

امر و نهی بود ......

٤٠- « يكتسب»:

١) فعل مضارع – للغائب – ماضيه « اكتسب» على وزن افتعل / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

٢) للغائب – مصدره « اكتساب» من وزن انفعال – معلوم / مع فاعله جملةٌ فعلية، و مفعوله « تجارب»

٣) فعل مضارع – صيغته مفرد مذكّر غائب – له حرفان أصليّان و حرفان زائدان / مع فاعله جملةٌ فعلية

٤) مضارع – حروفه الأصلية «ك س ب» و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله « تجارب»

٤١- « يُفكّر»:

١) للغائب – حروفه الأصلية «ف كّ ر» و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية

٢) صيغته للمفرد المذكّر الغائب – مجهول – مصدره « تفكير» على وزن أو من باب « تفعيل»

٣) فعل مضارع – للغائب – ماضيه « فكّر» على وزن فعّل، مصدره « تفكُّر» من باب « تفعّل»

٤) مضارع – حروفه الأصلية « ف ك ر» و له حرف زائد واحد / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

در ضبط حرکات چی مهمه ؟؟؟

٪۹۰ فعل (معلوم و مجهول، فارسی، امر و مضارع)

٪۱۰ اسامی مشتق (اسم فاعل و مفعول)

عیِّن الخطأ فی ضبط حرکات الکلمات:

لَمّا رَجَعَ النّاسُ شاهِدوا أصنامَهُم مُکسَّرةً!

الکَأسُ زُجاجةٌ یُشرَبُ فیها الماءُ أوِ الشّایُ أو القَهوةُ!

اِزدادَتْ هذه الخُرافاتُ فی أدیانِ النّاسِ عَلی مَرِّ العُصورِ!

قَرَّرَ أربعةُ طُلّابٍ أَنْ یَغیبوا عَنِ الامتِحانِ فاتَّصَلوا بِالأستاذِ!

عیِّن الخطأ فی ضبط حرکات الکلمات:

یَبلغُ الصّادقُ بِصدقِه ما لا یَبلُغُهُ الکاذبُ باحتیالِه!

لِکلِّ اختراعٍ عِلمیٍّ و ابتکارٍ وَجهٌ نافِعٌ و وَجهٌ مُضِرٌّ!

یَتِمُّ التَّوازُنُ فی الطَّبیعةِ مِن خِلالِ وُجودِ رَوابطٍ مُتَداخلةٍ!

عَلی کُلِّ النّاسِ أنْ یَتَعایِشوا مَعَ بَعضِهِم تَعایُشًا سِلمیًّا!